

# اعتصاب عمومی



ایجاد صفتی  
متمایز علیه کلیت  
جمهوری اسلامی

مصاحبه نشریه پرتو با  
کوروش مدرسی ص ۲

## وقتی گرگ ها قاضی می شوند

در حاشیه مصاحبه بی بی سی با بنی صدر  
سالار کرداری ص ۴

کمیته کردستان  
حزب حکمتیست  
اطلاعیه شماره ۱

اعتصاب عمومی  
علیرغم اقدامات  
شدید امنیتی با  
استقبال  
کارگران و مردم  
روبرو شد! ص ۵

## باید به این نمایش شیوع پایان داد

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ص ۴

## متن کامل حکم دادگاه عمومی (کیفری) بر علیه کارگران شرکت کننده در مراسم اول ماه مه امسال سنندج ص ۵

مصاحبه اکتبر با رحمت فاتحی در رابطه با  
اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد ص ۷

اعتصاب ۲۸ مرداد در کردستان، درسها  
و دستاوردها متن سخنرانی اسد کلچینی ص ۱۰

کمیته کردستان  
حزب حکمتیست  
اطلاعیه شماره ۳

پس از انتشار اطلاعیه شماره ۳ کمیته کردستان که به ابعاد اعتصاب و اخبار مربوط به آن پرداخته است. مشخص شد علاوه بر اعتصاب در میان کارگران و بخش قابل توجهی از مغازه ها در شهر سنندج، کامیاران، مریوان بوکان و سقز، همچنین در بانه و کرمانشاه هم اخبار اعتصاب بدست ما رسیده است. در کرمانشاه در روز ۲۸ مرداد و در پاسخ به فراخوان اعتصاب عمومی در کرمانشاه بخشهایی از بازار سرپوشیده (تاریکه بازار) و بخشی از مغازه ها در منطقه جوانشیر در اعتصاب بوده اند.

ابعاد بیشتری  
از اعتصاب  
در سنندج و  
شهرهای  
دیگر  
کردستان

## کارگران و انقلاب

منصور حکمت ص ۱۶

کارگران فصلی شهرداری سنندج در  
آستانه اخراج ص ۱۴



## خاطره ای

کوتاه از عملیات

گارد آزادی،

۲۳ مرداد در

جاده مریوان - سنندج

کیوان از اعضای واحد عملیاتی گارد آزادی ص ۱۴

کمیته کردستان  
حزب حکمتیست  
اطلاعیه شماره ۲

حمایت پر شور  
کارگران و  
مردم مبارز  
سنندج از

اعتصاب عمومی  
۲۸ مرداد ص ۶

## آزادی، برابری، حکومت کارگری

## اعتصاب عمومی ایجاد صنفی متمایز علیه کلیت جمهوری اسلامی مصاحبه نشریه پرتو با کوروش مدرسی

**پرتو:** حزب حکمتیست به مناسبت ۲۸ مرداد در شهرهای کردستان فراخوان اعتصاب عمومی داد و طبق اخباری که تا کنون منتشر شده است، این اعتصاب در ابعاد قابل توجهی خصوصاً در جنوب کردستان جواب مثبت گرفت. اولین سوال من این است که چرا اسمال در مناسبت ۲۸ مرداد چنین فراخوانی داده شد و چرا در کردستان؟

**کوروش مدرسی:** دلیل فراخوان اعتصاب عمومی اسمال صنف متمایزی بود که این فراخوان در هر صورت در جامعه شکل میداد. سال های گذشته این مناسبت چنین قطب بندی ای را بوجود نمی آورد. این صنف بندی در جامعه را دو رویداد شکل داد: اول به حرکت در آمدن جنبش سبز بود که به همراه خود بخش اعظم نیروهای سرنگونی طلب را با خود برد. فاکتور دوم تصمیم ناسیونالیست های کرد برای تبدیل ۲۸ مرداد (سالروز فرمان جهاد خمینی علیه کردستان) به ابزار معامله با جنبش سبز بود.

واقعیت این است که آنچه که به عنوان جنبش سبز به راه افتاد، بر عکس تصور بسیاری که در آن شرکت کردند، نه تنها جنبشی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نبود بلکه بخش بزرگی از احزاب و گروه های سیاسی سرنگونی طلب را به درگیر شدن در جدال میان جناح های رژیم کشاند. دلایل این چرخش در احزاب اپوزیسیون از ضدیت با کلیت جمهوری اسلامی به ضدیت با جناحی از آن را در مناسبت های دیگر مفصل مورد بحث قرار داده ایم و اینجا مجدداً به آن نمی پردازم فقط اشاره میکنم که "نقد نیمه و نا تمام" و به اصطلاح "نیم پز" احزاب چپ به جمهوری اسلامی دنباله روی آنها از یک جناح را موجه ساخت. این دنباله روی، در غیاب حضور قدرتمند و هژمونیک یک نیروی انقلابی و کمونیستی، باعث شد که در جامعه هم بخش مهمی از توده انقلابی به دنبال این توهام راهی شود که گویا جدال برای آزادی از کانال ائتلاف موسوی - خاتمی - رفسنجانی و جنبش سبز میگذرد. حاصل اینکه در سطح جامعه به سرعتی خیره کننده جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی جای خود را به جنبش ملیتات اصلاح جمهوری اسلامی بدهد. انگار مساله جناح خامنه ای - احمدی نژاد است و نه کل جمهوری اسلامی.

۲۸ مرداد واقعه ای بود که توسط کل جمهوری اسلامی (همه جناح های آن) سازمان داده شد. ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ رژیم اسلامی با فتوی خمینی به جنگ مردمی آمد که مانع سطره استبداد اسلامی در کردستان شده بودند و علیه کارگرانی که مثلاً بیمه بیکاری را به رژیم تحمیل کرده بودند. این حمله بیش از هر چیز بورش به آزادی و بورش به معیشت طبقه کارگر بود که بخشی از سرکوب انقلاب ۵۷ توسط جریان اسلامی بود.

ناسیونالیست های کرد هم در ابتدای کار برای سرکوب نیروهای چپ و کارگران و زحمتکشان کردستان نهایت همکاری با رژیم را کردند، با شعار "لیبیک یا خمینی" به رژیم جواب دادند. در هر حال حمله به کردستان در سال ۵۸ قبل از هر چیز حمله به دست

آورد های انقلاب و حمله به انقلابیون بود. درست به همین دلیل کسانی مانند منصور حکمت دفاع از کردستان انقلابی را یکی از عرصه های اصلی نبرد طبقاتی پرولتاریا نامیدند.

حمله رژیم به کردستان با مقاومتی توده ای مردم در کردستان روبرو شد و نیروهای چپ و کمونیست در سازمان دهی این مقاومت نقش تعیین کننده داشتند. در نتیجه اعتراض به حمله اعتراض به کلیت رژیم و همه جناح های آن است. همه این جناح ها، از جمله آدمی مثل بنی صدر هم، هنوز از این حمله دفاع میکنند و کشتار ها و اعدام های وسیع را توجیه می نمایند.

فاکتور دوم این بود که ناسیونالیست ها و بورژوازی کردستان میدانستند که ۲۸ مرداد ممکن است به اعتراضی فعال علیه کل جمهوری اسلامی تبدیل شود. آنها برای ممانعت از این کار و برای افزایش نفوذ و قدرت خود در مناسبات اش با سایر جریانات جنبش سبز تصمیم گرفت که این اعتراض را محدود کند و آنرا در چارچوب قابل قبولی برای ائتلاف موسوی - خاتمی - رفسنجانی محدود کند. از این رو آنها فراخوان به سکوت دو دقیقه ای و عزای عمومی در ۲۸ مرداد را دادند. با توجه به اینکه اعتصاب عمومی در کردستان شکل کاملاً مکنی بود، فراخوان اعتصاب عمومی از جانب کمونیست ها یک پرچم تماماً متمایز و انقلابی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی را در مقابل پرچم ناسیونالیسم کرد و پرچم جنبش سبز بر می افراخت. جمهوری اسلامی را همان جمهوری اسلامی که از سال ۵۸ بود دوباره معرفی میکرد و مبارزه مردم در کردستان را مستقیماً به مبارزه برای آزادی های سیاسی و رفاه، همانطور که در سال ۵۸ بود، وصل میکرد. چیزی که ناسیونالیست های کرد دوست ندارند. این فرصتی بود که نمیبایست از دست میرفت و خوشبختانه فراخوان لیست بلندی از کمونیست های شناخته شده اجازه نداد که این فرصت از دست برود و ۲۸ مرداد را به پرچمی متفاوت و خودآگاهی متمایز انقلابی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. به اعتقاد من این تلاش قدرت نیروهای انقلابی و کمونیست ها در ایران، بویژه در کردستان، را افزایش داد.

**پرتو:** ارزیابی خود شما از این حرکت چیست؟ چه دستاوردی داشته است؟

**کوروش مدرسی:** این اقدام دو هدف را تعقیب میکرد که به اعتقاد من در هر دو موفق بود. اولاً پرچمی بود علیه کل جمهوری اسلامی. این یک اعتراض توده ای بود که به عکس جنبش سبز خود را با هیچیک از جناح های جمهوری اسلامی تداعی نمیکرد و برای آزادی و رهائی از شر جمهوری اسلامی بود.

به اعتقاد من هر کس که تشنه آزادی است امروز باید ببیند که پرچم دیگری و راه دیگری و متحدین دیگری برای مبارزه برای نجات از شر جمهوری اسلامی و تامین آزادی های وسیع سیاسی وجود دارد. میدانم که نه جنبش سبز و نه دنباله روان آن به مذاق شان خوش نیامد که چنین حرکتی شکل گرفت. رهبری احزاب و جریانات سیاسی که فرمان دنباله روی مردم از موسوی - خاتمی - بنی صدر را صادر کردند، رسانه ها و جریانات سیاسی که با هر عطسه کروی فرمانی با مژده انقلاب میدهند حتی حاضر نشدند که اخبار این حرکت را منتشر کنند. البته این هم دست آوردی است که مردم در عمل احزاب، جریانات و رسانه ها را بشناسند. عرصه دوم عبارت بود از افزایش آگاهی، تحکیم صنف مبارزه و تقویت صنف جنبش کمونیستی و از ادیخواهانه است.

**پرتو:** تأثیرات این حرکت در مبارزه آزادیخواهانه مردم و در اعتراض طبقه کارگر به موقعیت زندگی خود چه است؟

**کوروش مدرسی:** اشاره کردم این حرکتی بود برای بالا بردن اعتماد به نفس در صف انقلاب علیه جمهوری اسلامی، حرکتی بود برای تقویت و شبکه های مبارزاتی و کمونیستی، حرکتی بود که در آن رهبران و فعالین کارگری موقعیت خود را تحکیم کردند و توده کارگر را با اعتماد بیشتری به دور هم و به دور خود متحد ساختند. این ها همه تقویت امکان مبارزه و تقویت امکان مقابله با جمهوری اسلامی و با سرمایه داران را بالا میبرد. امروز قطعاً همه کسانی که قدمی برای این حرکت برداشتند خود را قوی تر از دیروز می بینند. و این هدف ما بود.

**پرتو:** با توجه به نکاتی که طرح کردید، امروز کارهای بعدی که در دستور کمونیستها و مشخصاً حزب حکمتیست قرار خواهد گرفت چه خواهد بود؟

**کوروش مدرسی:** باز هم پی رفتن. ببینید ما بارها گفته ایم آنچه که جمهوری اسلامی را سر پا نگاه داشته و آنچه نظام سرمایه داری را بر کرده کارگر سوار نگاه میدارد و بالاخره آنچه که مانع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر است پراکندگی، نا آگاهی و عدم اتحاد در طبقه کارگر و توده زحمتکشان است. کل دستگاه تحمیل جمهوری اسلامی و کل سرمایه داری و تمام دستگاه سرکوب رژیم اساساً در خدمت حفظ این نا آگاهی و تشنشت و ممانعت از اتحاد در سطح توده ای و سیاسی است. فراخوان اعتصاب برای ما اقدامی بود در جهت از میان بردن این وضع.

راستش کل تاکتیک های حزب ما برای عقب زدن بورژوازی و آگاه کردن و متحد کردن طبقه کارگر است. روشن است بر سنگی که در این اعتصاب روی زمین گذاشته شد کماکان باید بنای مستحکم اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان را ساخت. این تنها یکی از قدم های ما بود که باید در اشکال مختلف ادامه و در همه سطوح از کارخانه و محله تا شهر و بعد سراسری ادامه داده شود.

کمونیست ها باید از دل مبارزه روزمره طبقه کارگر، زحمتکشان و آزادیخواهان صف قوی تر، متحد تر، سازمان یافته تری را حول فعالین و رهبران کمونیست بوجود آورند. طبقاً این کار راس اولویت های حزب حکمتیست هم هست.

## درد بر کمونیستها و آزادیخواهانی که اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان را ممکن کردند

رفقای عزیز!

با دروهای فراوان



۲۸ مرداد - سنندج

شهرک صنعتی - ساعت ۵:۴۵

این تحرک انسانی بودند و بالاخره با تلاش واحد ها و فرماندهان گارد آزادی که با کاردانی و جسارت بی نظیر خود، در این یک ماه دو بار در میان مردم حضور یافتند و آنها را به اعتصاب عمومی فراخواندند، ممکن شد. اجازه بدهید از طرف رهبری حزب حکمتیست از همه شما قدرانی کنم و این تلاش مشترک را ارج بنهم و به همه درود بفرستم.

### رفقای عزیز!

شکل گرفتن اعتصاب در ۲۸ مرداد و موفقیت آن گام مهمی در راه شکل دادن به صف اعتراض برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم محروم و مایه امید این صف در ابعاد سراسری است. موفقیت این تحرک بی شک مایه شادی و احساس قدرت کل طبقه کارگر و در راس آن همه کارگران و فعالین کمونیست طبقه کارگر است. این بر همگی ماست تا این دستاورد را دستمایه کارها و موفقیت‌های بزرگتر برای شکل دادن به صف مستقل طبقاتی خود در مقابل صفی از دشمنان رنگارنگ خود کنیم و جنبش برابری طلبانه خود را در ابعاد وسیع سازمان دهیم. کارهای جدی و مهمی در مقابل ما است و به سرانجام رساندن آنها از ما ساخته است. با اتمام اعتصاب عمومی هنوز کار مشترک ما نه تنها تمام نشده است بلکه در ابعاد وسیعی باید ادامه داده شود. طبقه کارگر ایران، مردم آزادیخواه، جوانان و زنان برابری طلب این جامعه به ادامه فعالیت مشترک همگی ما نیاز دارند. اینجا از جانب رهبری حزب حکمتیست توجه همگی شما را بر اهمیت این جنبه مهم مبارزاتی جلب میکنم و همگی را به ادامه آن فرامیخوانم. بار دیگر به همه شما درود میفرستم و دست همگی را صمیمانه میفشارم.

### اسد گلچینی

از طرف رهبری حزب کمونیست کارگرای ایران - حکمتیست

۲۹ مرداد ۱۳۸۸ - ۲۰ اوت ۲۰۰۹

اتفاق در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان رخ داد و این یکی از شورانگیزترین و افتخار آمیزترین دستاوردهای این تلاش مشترک ما است. این دستاوردی برای طبقه کارگر ایران، برای صف آزادیخواهی و برابری طلبی مردم ایران است و باید آن را ارج نهاد. اعتصاب عمومی در یک روز، به نام ۲۸ مرداد، روی داد. اما در یک ماه گذشته جامعه کردستان شاهد تلاش صفی از کمونیستها و آزادیخواهان در این جامعه بود. قطعاً بدون تلاش شبانه روزی و بدون وقفه صفی از آزادیخواهان و کمونیستها برای شکل دادن به تحرکی در ۲۸ مرداد، تلاشی برای اتحاد طبقاتی کارگران و آزادیخواهان این اتفاق ممکن نمیشد. در این تحرک صفی از کمونیستها به هم پیوستند، یک کمپین کمونیستی را در این جامعه پیش بردند و درجه ای از سازمان و شبکه های مبارزاتی را شکل دادند که مبارزه ما در ۲۸ مرداد بر شانه های آن شکل گرفت. این یکی از دستاوردهای مهم و یکی از اهداف فراخوان ما بود.

### رفقای عزیز!

این موفقیت را همگی ما با هم ممکن کردیم، همه آن ۴۲۰ کمونیستی که همراه حزب حکمتیست مردم را در دفاع از آزادی و برابری و علیه سی سال حاکمیت استبداد و نا برابری به اعتصاب عمومی فراخوان دادیم. همه آن صدها انسان کمونیستی که اسامی آنها بدلائل امنیتی و استبداد حاکم در ایران، در جایی درج نشده است اما در شهرهای مختلف، در مراکز کارگری، در خیابانها و کوچه پس کوچه های شهرها، نیروی متحقق کردن اعتصاب عمومی بودند و آن را سازمان دادند و به سرانجام رساندند و اخبار آن را به گوش کارگران و مردم در شهرهای مختلف ایران رساندند. این تحرک انسانی با تلاش بسیاری از رفقای که با متینگ ها و سخنرانی های حمایتی خود، با تهیه پوستر و تراکتهای مختلف، با تلاش در لایحه کردن اعتصاب در سایتها و وبلاگها و رسانه ها، با تلاش رفقای عزیز تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست که در تمام این دوره در همه این زمینه ها یک پای

فراخوان اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد در شهرهای کردستان جواب مثبت گرفت. در جریان هستی که با تمام تدابیر امنیتی جمهوری اسلامی، با تمام جلسه گرفتهها و نقشه کشیدنهای رؤسا، سرکار پاسدارها، مراکز اطلاعاتی امنیتی و نیروهای انتظامی و زندانبانان جمهوری اسلامی و تهدیدها و اخطارهای آنها، بخش قابل توجهی از مردم شهرهای کردستان و در راس آن کارگران دست به اعتصاب زدند و با قدرت خود تلاشهای جمهوری اسلامی را ناکام گذاشتند. این موفقیت بزرگی برای طبقه کارگر و صف آزادیخواهی مردم ایران بود.

استقبال مردم از اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان، علم کردن پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی طبقه کارگر و مردم محرومی بود که در دوره اخیر تلاش وسیعی شد تا اعتراض آنها به نا برابری و بی عدالتی را زیر پرچم دشمنان سبز و سیاه دفن کنند. این تحرک انسانی نشان عمق نفوذ کمونیستها در جامعه کردستان، در میان کارگران و مردم محروم و نشانه عمق تنفر آنها از کلیت جمهوری اسلامی با همه جناحهای آن بود. کارگران و مردم در این روز به جمهوری اسلامی، به سی سال بی حقوقی، به سی سال بی عدالتی و فقر، به سی سال کشتار و زندان و اعدام، به سی سال حاکمیت سرمایه داران نه گفتند.

اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان، تلاشی از جانب همه ما بود برای شکل دادن به صف آزادیخواهی و برابری طلبی در ابعاد اجتماعی، تلاشی برای ایجاد درجه ای از اتحاد در میان کارگران و مردم محروم زیر پرچم مستقل طبقه کارگر در مقابل پرچمهای سیاه و سبزی که دشمنان طبقاتی ما علم کرده اند و تلاش میکنند مردم را زیر آن جمع کنند و حق طلبی کارگر و زن و جوان برابری طلب در این جامعه را نابود کنند.

حضور طبقه کارگر در راس این تحرک، شور انگیز و ارزشمند بود. استارت اعتصاب در شهرهای کردستان توسط کارگران در مراکز کارگری زده شد و توجه افشار مختلف مردم را به خود جلب کرد و شعله امید را در موفقیت آن نمایان کرد. کارگران سنندج به طبقه کارگر ایران راه نشان دادند، آزادیخواهی و کمونیسم این طبقه را در شکل دادن به صفی مستقل و برابری طلبانه نمایندگی کردند. دست در دست هم گذاشتند و ثابت کردند که اگر طبقه کارگر اراده کند، فضای جامعه را تحت تاثیر قرار خواهد داد و مردم محروم را حول خود متحد خواهد کرد. این

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

## وقتی گرگ ها قاضی می شوند در حاشیه مصاحبه بی بی سی با بنی صدر

### سالار کرداری

در مصاحبه ای که از تلویزیون بی بی سی در ۲۸ مرداد و به مناسبت سی امین سالگرد حمله رژیم جمهوری اسلامی به کردستان پخش شد، بنی صدر، رئیس جمهور وقت، که یکی از عاملین اصلی سرکوب مردم کردستان و فرمانده اجرایی فتوای خمینی قاتل در بیست و هشت مرداد و ماههای بعد از آن است، از طرف این رسانه به عنوان راوی و قاضی این تاریخ به مردم تحمیل می شود.

بنی صدر در این مصاحبه میگوید که: "کومه له جنگ افروزی کرده و ما آمدیم که کردستان را از شر این گروه تندرو خلاص کنیم" بر کسی که کوچکترین آگاهی از ۲۸ مرداد کردستان و وقایع آن دارد پوشیده نیست که قطب چپ و کمونیست جامعه کردستان در آن سالها که عمدتاً در کومه له متشکل بود تنها قطب مسئول در قبال مردم کردستان و زندگیشان بود و اهدافی کاملاً انسانی را دنبال می کردند.

قبل از هر چیز باید گفت بنی صدر کسی باید به عنوان یکی از عاملین قتل عام مردم کردستان جوابگو باشد وی که امروز از طریق تریبون بی بی سی بر مسند قضاوت نشسته است یکی از معماران اصلی یورش به آزادیخواهان و مردم کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ و در تمامی قتل عامها و جنایتهای رژیم سهیم است.

اینکه این جنگ با هدف سرکوب مردم که بنی صدر آن را کومه له نامید صورت گرفت بر کسی پوشیده نیست و شاید تنها حرف درستی باشد که این جانی به آن اذعان کرد این بود: ما برای جنگ با کومه له و احزاب چپ آمده بودیم. که این در خود نشانگر این واقعیت است که آزادیخواهی و برابری طلبی چه ریشه ای در میان مردم دارد که باید برای از بین بردن آن دست به نسل کشی زد. ددمتنی رژیم در ۲۸ مرداد سی سال پیش به حدی رسیده بود که همین جناب بنی صدر فتوایی در جوار فتوای خمینی صادر کرد مبنی بر اینکه پوتین هایتان را باز نکنید تا کردستان را پاک سازی نکرده باشید، که البته این فرمان هنوز پوتین باز نشده ی زیادی می خواهد که عملی شود چون تاکنون صدای، نه، به جمهوری اسلامی از کردستان رسا تر از هر زمانی به گوش می رسد. که آخرین نمونه آن اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد بود. با تمام زوری که رژیم زد تا این اعتصاب صورت نگیرد، به همت کمونیستهای آن جامعه دوباره از مقر انسانیت، آزادی و برابری اخطار دیگری به این جانیان داده شد که جواب این مردم همچنان نه است.

امروز بنی صدر هنوز هم بر فتوای خمینی برای قتل عام کمونیستها مهر تأیید میزند و با بی شرمی کماکان در حسرت است که چرا برنامه های آنها برای سرکوب مردم مبارز در کردستان از طریق حزب دمکرات که آن زمان هم در پی گرفتن سهمی از قدرت مرکزی بود پیش نرفته است. خمینی و هم قطاران جانی و جنایتکارش بعد با کشتار هزاران آزادیخواه و کمونیست در کردستان و سراسر ایران و در زندان ها لابد آرزوی رئیس جمهوریش را هم که تازه فراری شده بود بر آورد کرد.

## باید به این نمایش شنیع پایان داد

محاکمات نمایشی و اعتراف گیری و اظهار ندامت دستگیر شدگان اتفاقات اخیر و سران جناح اصلاح طلب کماکان ادامه دارد. سران جمهوری اسلامی با این نمایش شنیع، با به نمایش گذاشتن اظهار ندامت از خیانت به نظام و اعترافات ساختگی آنان اهداف معینی را دنبال میکند، تلاش برای تسویه حساب درون جناحی و زهر چشم گرفتن از جناح رقیب، نشان دادن ظرفیت سیاه و کثیف خود در شکنجه و مهمتر از همه دامن زدن به رعب و وحشت و یاس و ناامیدی در میان مردم معترضی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی لحظه شماری میکنند. این رژیم سی سال با اتکا به ترور، قتل، محاکمات ساختگی، پرونده سازی، اعتراف گیری و اظهار ندامت از عقیده و فعالیت سیاسی به ضرب شکنجه و دادگاههای نمایشی، سرپا ایستاده است. بدون چنین قصاوتی ادامه زندگی جمهوری اسلامی ممکن نبوده و نیست. جمهوری اسلامی همیشه برای پلیسی کردن فضا، برای ترساندن جامعه و نشان دادن گوشه ای از سببیت و خشونتش چنین بساطی را به راه می اندازد. اینکه چه کسانی قربانی این توحش هستند ذره ای از کثیف بودن اینکار کم نمیکند. نه دادگاه دادگاهی واقعی است، نه پرونده "متهمین" واقعی است و نه اعترافات! دادگاههای اخیر کوچکترین ارزشی ندارد و هیچ چیز را جز شناخت و ردالت برپا کنندگان این نظام نشان نمیدهد. داشتن عقیده سیاسی مخالف هر حاکمیتی و فعالیت سیاسی علیه هر دولتی ابتدائی ترین حق هر انسانی است. هیچ انسانی را نباید بدلیل داشتن عقیده و فعالیت سیاسی به زندان انداخت. این شامل هر فعال سیاسی، هر فعال کارگری، فعال حقوق اجتماعی و مدنی مردم میشود. اینکه بخشی از کسانی که امروز با شکنجه و تهدید و ادا به اعتراف میشوند، خود زمانی همین بلا را بر سر مخالفین جمهوری اسلامی آورده اند، سر سونی از شنیع بودن این عمل کم نمیکند و باید قاطعانه آن را محکوم کرد. محاکمات نمایشی اخیر اولین و آخرین نمایش شناخت رژیم نیست. این فقط و فقط نشاندهنده یک حقیقت مسلم است. این رژیم اصلاح پذیر و قابل تغییر از درون نیست. این چهره واقعی جمهوری اسلامی است. حکومتی که ملایمترین صدای مخالف را حتی در درون صفوف خود تحمل نمیکند قابل هیچ تغییری نیست جز سرنگون کردن!

باید به این نمایش شنیع پایان داد و همه دستگیر شدگان وقایع اخیر باید فوراً آزاد بشوند. آزادی همه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی بخشی از مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

### حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۴ شهریور ۸۸- ۲۶ اگوست ۲۰۰۹

نحوه ی پوشش تلویزیون بی بی سی دقیقاً در تضاد با واقعیت امروز و فردای آن جامعه است. تأکید بر این مسئله از جانب گزارشگر بی بی سی که کردها برای جدایی از ایران در جنگ با حکومت مرکزی بوده اند و مسکوت گذاشتن تمام شعارهای حق طلبانه طیف چپ جامعه کاری هدف مند بود. برای تحریف تاریخ مبارزات مردم کردستان بنی صدر را که خود سازنده بخشی از تاریخ سرکوب و کشتار آزادیخواهان در کردستان بود به مقابل دوربین آوردند.

کسی از بنی صدر نرسید که قضیه بلوچستان، ترکمن صحرا و مساله کارگران بیکار در تمام مناطق ایران هم به خاطر نفوذ کمونیستها و کومه له بود یا به خاطر وحشیگری شما و امامتان که نماد بارز ارتجاع و عقب ماندگی بود. طوماری از قتل، اعدام، تجاوز، تیرباران و شکنجه از این حکومت فاشیست به جا مانده و اکنون نیز ادامه دارد. با کمال وقاحت و بیشرمی در مقابل دوربین و خطاب به انسانهایی سخن میگویند که فرزندشان پدر و مادرشان، و دیگر اعضای خانواده شان را با فرمان شما و امثال شما از دست داده اند، فقط برای اینکه نمی خواستند به سرکوب و دیکتاتوری شما و خمینی تن بدهند.

پاسخ مردم کردستان که همیشه چپ و کمونیست، آزادی خواهی و برابری طلبی و انسانیت در آن حضور اجتماعی و فعالی داشته است، مبارزه ای به طول سی سال در مقابل جمهوری اسلامی است. کمونیستها و مردم کردستان در هیچ دوره ای به قماش شما و هم قطارانان در داخل و خارج حکومت لیبیک نگفته و نخواهند گفت. دیدید که مردم کردستان با وجود تمام تدابیر و تهدیدات هم قطاران سپاهی شما روز 28 مرداد را به روزی برای ادامه مبارزه و اعتصاب عمومی تبدیل کردند و با این کار به شما و به تمام جناح های این رژیم و جناح های سبز و سیاهش نه گفتند.

پر واضح است که شما و هم طبقه ایهایتان از این جریان خوشحال نیستید چون به خوبی میدانید این مردم و کمونیستهایش را نمی شود با هیچ رنگی فریب داد. نشان شما بر مسند قضاوت و روایت وارونه این تاریخ تیری است که با وجود طیف عظیمی از انسانهای مبارزی که قلبشان برای تحقق آزادی و برابری می تپد به سنگ می خورد. ما نخواهیم گذاشت شما ها که در مقام سرکوب وحشیانه و اما نا موفق مردم کردستان بوده اید بتوانید بر مسند قضاوت بنشینید. در بهترین حالت شما موافق سرمایه دارکرد زبان و حزب دمکرات بوده اید و این نه در آن روز و نه امروز ربطی به مبارزه مردم ندارد.

بیش از این خود را مضحکه نکنید. به اخبار کردستان در ۲۸ مرداد ماه امسال نگاهی ببیندازید که چگونه بعد از سی سال، کارگران و زنان و جوانان انقلابی و کمونیست به جمهوری اسلامی نه بزرگی گفتند و یاد آن انسانهای شرافتمند را که شما و همقطارانان در اعدام آنها شریک بودید را گرمی داشتند. و اما تلویزیون بی بی سی از این ناراحت است که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان بر خواستهای بر حق خود مانده و برای لحظه ای توهم به تغییر جمهوری اسلامی از طریق یکی از جناح هایش را نداشته و ندارد، بی بی سی با آگاهی از این واقعیت اکنون به سانسور اخبار اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد پرداخته و برنامه ای هدفمند را در جهت پیش برد سیاستهای خود به جلو میبرد که همانا تزریق توهم بیشتر به مردم برای تغییر این رژیم از درون جناحهایش است.



کمیته کردستان حزب حکمتیست اطلاعاتی شماره ۱

# اعتصاب عمومی علیرغم اقدامات شدید امنیتی با استقبال کارگران و مردم روبرو شد!

مرکز کار و مغازه را در بر میگیرد را به اعتصاب کشاندند. امروز حدود ۵۰ کارگاه در این شهرک از بامداد تماماً تعطیل بودند. اخبار تا کنونی از سنجند حاکی از آن است که جدا از شهرک صنعتی، میدان نبوت، خیابان هجیب، محله غفور و خیابان شریف آباد بطور پراکنده دراعتصاب امروز شرکت کرده اند. در مریوان نیز تعدادی از مغازه ها در سطح شهر با تمام تهدیداتی که دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی به عمل آوردند بسته شد و در اعتصاب شرکت کردند. لازم به ذکر است در مریوان نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در خیابانها و پاساژهای شهر با تهدید و اراغ تلاش کردند مانع شرکت مردم در اعتصاب عمومی شوند. همچنین دیشب در سنجند جوانان برای طلب در استقبال از بزرگداشت مبارزه و مقاومت و یاد جانباختگان ۲۸ مرداد بر فراز کوه آبیتر آتش بزرگی روشن کردند. در این مدت در شهرهای مختلف مراکز اطلاعاتی، نیروهای انتظامی، فرمانداری، شهرداری، اداره اماکن و ارگانهای مختلف علیه اعتصاب بسیج شدند و به تهدید مردم پرداختند. دیروز اماکن انتظامی با فراخواندن اتحادیه فلزکاران سنجند اعلام کرد که هیچ کس نباید در اعتصاب شرکت کند. همزمان شورای تامین امنیت استان کردستان در سنجند، جلسه ای با حضور فرماندهان نیروی انتظامی واطلاعاتی به استناداری وفرمانداری

امروز چهارشنبه ۲۸ مرداد، برابر با ۱۹ اوت ۲۰۰۹ به مناسبت سی امین سالگره فرمان حمله به مردم کردستان و در اعتراض به کلیت جمهوری اسلامی، در اعتراض به اعدام و کشتار مردم، در دفاع از آزادی و برابری، کارگران و مردم علیرغم تهدیدها و اقدامات ارگانهای اعصاب عمومی رفتند و فعالیتهای استقبال اعتصاب عمومی را روز انجام دادند. متنوعی در گرامیداشت این روز انجام دادند. در شهر سنجند، کارگران مبارز و حق طلب فلز کار و صنعتگران شهرک صنعتی در راس این تحرک انسانی بودند. امروز بخشی از کارگران در سنجند سر کار نرفتند و با این اقدام خود شهرک صنعتی را که دهها کارگاه فلز کار، مکانیک و خدمات اجتماعی و

زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد کارگران و مردم آزادیخواه  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
۲۸ مرداد ۱۳۸۸ - ۱۹ اوت ۲۰۰۹

Page 2 of 2

چاپ دادنامه

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

شعبه یکصد و پنجم دادگاه عمومی (کیفری) شهرستان سنندج

شماره دادنامه: ۸۸-۹۹۷۸۷۱۷۰-۶۶  
شماره پرونده: ۸۸-۹۹۸۸۷۱۴۰-۱۶۶  
شماره بایگانی شعبه: ۸۸-۲۸۲  
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۴/۲۵  
پوست:

**دادنامه**

به منم ردیف اول تا چهارم محرز دانسته فلذا به استناد ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی هر یک از متهمین موسوف رابه تحمل شش ماه حبس تعزیری و جهل فسر به شلاق تعزیری محکوم لکن مجازات مذکور در خصوص متهمین ردیف اول تا سوم رابه توجه به فقدان سابقه کیفری و جوان بودن آنها به مدت سه سال تعلیق می نماید و چنانچه نامبردهگان از تاریخ قطعی حکم مرتکب بزهی شوند مجازات مذکور در مورد آنان به مرحله اجراء خواهد آمد و در خصوص متهم ردیف پنجم به استناد بندالف ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رأی بربرائت وی صادر و اعلام می گردد رأی صادره در خصوص متهمین ردیف اول تا چهارم حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان کردستان و نسبت به متهم ردیف چهارم شیبای و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین دادگاه و پس از آن ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان کردستان می باشد از

رئیس شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی سنندج - غلامحسین حسین  
روگوشت برابر اصل ادارت - مدیر دفتر شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی جزایی سنندج - باوردی  
نشانی: سنندج

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

شعبه یکصد و پنجم دادگاه عمومی (کیفری) شهرستان سنندج

شماره دادنامه: ۸۸-۹۹۷۸۷۱۷۰-۶۶  
شماره پرونده: ۸۸-۹۹۸۸۷۱۴۰-۱۶۶  
شماره بایگانی شعبه: ۸۸-۲۸۲  
تاریخ تنظیم: ۱۳۸۸/۰۴/۲۵  
پوست:

**دادنامه**

شاکلی : دادرسی عمومی و انقلاب سنندج

متهمین: ۱- آقای شب بو خلیلی به نشانی سنندج خ اردلان رویروی خانه سازمانی پلاک ۱۸۱-۲۸۲۲۷۳۵۳ آقای فایق کیخسروی به نشانی سنندج بهاران ۲/۱۹ آپارتمان گلستان پلاک ۱۳ طبقه ۴ واحد ۳ ت ۷۱۷۴۴۶۰۲۳ آقای بابک باجلانی به نشانی سنندج مبارک اباد انتهای خ امامیه ک فردوس ۵ پ ۵ منزل پدروی ت ۳۵۶۳۱۲۵ ۲ آقای شیوا سبحانی به نشانی سنندج بلوار شیلی ک خیام پ ۴۶ ت ۳۵۶۰۶۷۳ ۵ آقای منصور کریمیان به نشانی سنندج محله کانی کوزه جنب مسجد امام خینی پلاک ۱۹۵ منزل پدروی ت ۳۵۱۹۳۴۲

اتهام: اخلاق در نظم و آسایش عمومی

گروندگان: منور باهان قول تحت تعصب واقع پس از رایع به این شعبه و است بونده نگاشته قول استک در وقت قبول ابلاغه شعبه ۱۰۵ جناب محترم عموم سنندج بنمذی اماکنده ریز تشکیل و با بررسی محتوات بونده خبر رسیده کی اعلام و مبارت بمبارت بمبارت میماید.

**رأی دادگاه**

در خصوص اتهام آقایان و خانم ۱- فایق کیخسروی فرزند عبدالله ، متأهل ،اهل وساکن سنندج ، فاقد سابقه کیفری ۲- شیوا سبحانی فرزند قاسم ، ۳۰ ساله ، مجرد ، اهل وساکن سنندج ، فاقد سابقه کیفری ۳- منصور کریمیان فرزند محمدسعید ۲۵ ساله ، مجرد ، اهل وساکن سنندج ، فاقد سابقه کیفری ۴- بابک باجلانی فرزند زرعلی ۲۲ ساله ، متأهل ، اهل کامیاران وساکن سنندج ، فاقد سابقه کیفری ۵- شب بو خلیلی فرزند محمدعلی ۳۵ ساله ، مجرد ، اهل وساکن سنندج ، فاقد سابقه کیفری ، دایر بر اخلاق در نظم عمومی از طریق تجمع غیر قانونی به مناسبت روز جهانی کارگر که باعتاب به محتوات پرونده ، نظریه کیفرخواست شماره ۸۸۱۰۴۳۸۷۱۴۰۰۱۲۸ - ۸۸/۲/۳۱ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب سنندج و نظریه اظهارات متهمین ردیف اول ، دوم ، سوم ، در جلسه دادگاه که اولاً حضور خویش در تجمع مذکور مورد تأیید قرار داده ثانیاً متهمین ردیف اول و دوم برگزارش تج مع مذکور احقی برای خود در نظر داشته و اظهارات غیر موجه آنان مبنی بر عدم اطلاع از اینکه با مجرمین مذکور موافقت نشده و نظریه عدم حضور متهم ردیف چهارم در جلسه دادگاه علی رغم این که در آدرس اعلامی احضار شده و نظریه اظهارات وی در مراحل تحقیقات در دادسرا و نظریه اظهارات متهم ردیف پنجم که در دفاع از خود بیسبان نموده که این اظهارات موجه بوده و نظریه تحقیقات انجام شده و سایر قراین و امارات موجود بینه انتسابی رانسیبت نشانی: سنندج

## ابعاد بیشتری از اعتصاب در سنندج و شهرهای دیگر کردستان

طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب حکمتیست امروز به مناسبت ۲۸ مرداد بخشهای دیگری از مردم سنندج، کامیاران، مریوان و بوکان نیز به اعتصاب عمومی پیوستند. طبق آخرین اخبار رسیده از شهر سنندج امروز فضای شهر سنندج فضای اعتصاب عمومی بود، کارگران و مردم مبارز این شهر در ابعاد وسیع در اعتصاب بودند. علاوه بر کارگران شهرک صنعتی و مجتمع تجاری، خیابان مولوی، پارک استقلال، نیوت، بازارچه توتونچی ها، که در اطلاعاتی های دیگر به اطلاع رساندیم، خیابان ۲۵ شهریور، خیابان شهدا (ولیعهد سابق)، محله کار آموزی، محله فیض آباد، خیابان چهار باغ، خیابان اسلام آباد، خیابان کمربندی عباس آباد، بازارچه شهرداری، انتهای ۱۷ شهریور و اطراف حمام آریا، بخش وسیعی از بازار اصف، و کارگاههای خیاطی و مناطق دیگری از شهر به اعتصاب پیوستند.

کامیاران: بخش قابل توجهی از مردم مبارز شهر کامیاران نیز به اعتصاب پیوستند. طبق اخبار رسیده امروز تا ساعت ۱۱ صبح تعداد بسیاری مغازه در این شهر بسته بودند. بعد از ظهر بخش وسیعی از مناطق شهر از جمله مغازه های پاساژ تجارت، مغازه های روبروی مسجد عایشه و بخش عمده مغازه های خیابان بهشتی تعطیل شدند. در مناطق مختلف شهر خبر اعتصاب پیچید و سیمای شهر کامیاران حالتی دیگر گرفت. بخشی از مردم کامیاران به این مناسبت و در حمایت از اعتصاب عمومی شهر را ترک کردند.

مریوان: شهر مریوان نیز علیرغم تمام تلاشهای نیروی انتظامی و اخطارهای که به مردم دادند، سیمای اعتصاب به خود گرفت. جدا از اینکه در مناطق مختلف شهر بخش قابل توجهی از مغازه ها بسته شد، بخشی از بازار شهر و چندین باشگاه ورزشی نیز به اعتصاب پیوستند.

بوکان: جمهوری اسلامی از چند روز پیش و به ویژه روز قبل از اعتصاب و همچنین صبح امروز با احضار بازاریان و تعدادی از جوانان و مردم شهر و حضور وسیع در خیابانهای اصلی با تهدید و بازخواست مردم را وادار کردند که مغازه ها را باز کنند و از اعتصاب پرهیز کنند. با این وجود تعداد قابل توجهی از مردم به اعتصاب پیوستند. تا حوالی ساعت ۱۱ صبح بخشی از مغازه ها در فلکه اسکندری، پمپ بنزین و چند محل دیگر به اعتصاب پیوستند.

مهاباد: در مهاباد مسئولین جمهوری اسلامی برای ممانعت از پیوستن مردم به اعتصاب فضای شهر را نظامی کردند. نیروهای مسلح در خیابانها مستقر شدند، نیروهای گارد ویژه نیز با استفاده از موتور سیکلت اقدام به گشتزنی در داخل شهر نموده ند. همزمان هلیکوپترهای آنها بارها بر فراز شهر اقدام به پرواز کردند.

لازم به توضیح است که در شهرهای مختلف از سنندج، کامیاران، مریوان، دیواندره، سفز، بوکان، بانه، مهاباد، نغده و اشویه در این مدت هزاران نسخه از فراخوان حزب حکمتیست، پیامهای رهبران حزب و تراکت و پوسترهای مختلف پخش شده است. شعار نویسی و ابتکارات مختلف و خبر رسانی به مردم از جانب جوانان کمونیست و آزادیخواه در همه شهرها در جریان بوده است. این تحرک بزرگ، زیر فشار نیروهای نظامی رژیم، و علیرغم تمام تدابیر، نشستها و نقشه کشیدن های مسئولین رژیم برای ممانعت از شکل گرفتن این اعتصاب صورت گرفت. نیروهای جمهوری اسلامی با تهدیدات رسمی و غیر رسمی، با دستگیری و راه انداختن دسته های اوباش خود تلاش کردند فضای رعب در شهرهای کردستان ایجاد کنند. علیرغم همه اینها امروز اراده و قدرت کارگران و مردم آزادیخواه در کردستان فضای شهر را تعیین کرد نه زور سرنیزه چاقوگشان جمهوری اسلامی!

کمیته کردستان حزب حکمتیست این پیروزی بزرگ را به همه کارگران و مردم مبارز کردستان تبریک میگوید و تلاشهای آنها برای بر افراشتن پرچم دفاع از آزادی و برابری را ارج می نهد.

زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد سوسیالیسم  
زنده باد اعتصاب عمومی مردم  
مرگ بر جمهوری اسلامی

۲۸ مرداد ۱۳۸۸ - ۱۹ اوت ۲۰۰۹

## حمایت پر شور کارگران و مردم مبارز سنندج از اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد

امروز ۲۸ مرداد کارگران و مردم مبارز سنندج در ابعاد گسترده علیه جمهوری اسلامی دست به اعتصاب عمومی زدند. همچنانکه در اطلاعاتی شماره ۱ اشاره کردیم اعتصاب با نرفتن سرکار کارگران ۵۰ مرکز و کارگاه در شهرک صنعتی سنندج شروع شد. بدنبال بخشهای دیگری از مغازه های شهر و مراکز دیگری از شهرک صنعتی به اعتصاب پیوستند.

بنا به گزارشات دریافتی بعد از ظهر امروز، مردم مبارز سنندج در مناطق مختلف شهر از جمله مجتمع تجاری، خیابان مولوی، شهرک صنعتی، پارک استقلال، نیوت، بازارچه توتونچی ها، و مغازه های پراکنده دیگری در سطح شهر و محلات مختلف دست از کار کشیدند و به اعتصاب پیوستند.

مردم سنندج با این اقدام خود تمام تدابیر امنیتی مقامات مختلف نظامی، امنیتی و اداری جمهوری اسلامی و تهدیدها و احضارهای آنان را ناکام گذاشتند و به جمهوری اسلامی نه گفتند.

اقدام جسورانه کارگران و مردم سنندج در دفاع از آزادی و برابری، علیه کلیت جمهوری اسلامی بار دیگر به همه نشان داد که سنندج سنگر آزادی، سنگر مقاومت رادیکال و سنگر چپ و آزادیخواهی است. عکسهای ضمیمه نشانگر ابعاد این اعتصاب است

زنده باد آزادی، برابری  
زنده باد نیروی انقلابی کارگران و مردم مبارز سنندج  
مرگ بر جمهوری اسلامی

۲۸ مرداد ۱۳۸۸ - ۱۹ اوت ۲۰۰۹

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

## مصاحبه اکتبر با رحمت فاتحی در رابطه با اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد

**اکتبر: حزب حکمتیست و همچنین بیش از ۲۰ نفر از کمونیستها در اول مرداد ماه سال جاری طی بیانیه های جداگانه ای به مناسبت سی امین سالگرد یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به کردستان با فتوای خمینی، مردم کردستان را به اعتصاب عمومی فراخواندند، اهداف فراخوان و سیاستهای ناظر بر این فراخوان چه بود؟**

**رحمت فاتحی:** به نظرم حزب بدرستی پای فراخوانی رفت که در این شرایط جامعه کردستان و ایران به آن نیاز داشت. سعی میکنم زمینه های سیاسی و تاریخی این حرکت را به طور مختصر توضیح دهم. در ۲۸ مرداد ۵۸ خمینی فرمان یورش به کردستان را با هدف سرکوب انقلاب صادر کرد. در آن موقع کردستان تنها منطقه ای بود که جمهوری اسلامی نتوانسته بود حاکمیت ضد انقلابی و ارتجاعی خود را در آن اعمال نماید. مردم کردستان و در راس آن کمونیستها و آزادیخواهان با تمام توان خود از دستاوردهای انقلاب و گسترش این دستاوردها دفاع میکردند و نوعی از حاکمیت مردمی را در این منطقه سازمان داده بودند. این برای رژیم سرمایه داری و جمهوری اسلامی غیر قابل تحمل بود. جمهوری اسلامی و خمینی برای تثبیت موقعیت و دولت نو پایش تصمیمشان را گرفته بودند که با تمام توانشان به کردستان حمله کنند. زیرا میدانستند که سرکوب کردستان به معنای سرکوب انقلاب است. جمهوری اسلامی در این فاصله توانسته بود در بقیه نقاط ایران، انقلاب را سرکوب کند، حداقل دستاوردهایی که مردم در نتیجه انقلاب بدست آورده بودند بازپس بگیرد. کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان تمام تلاش خود را کردند که جنگی در کردستان اتفاق نیفتد ولی همچنانکه اشاره کردم برای جمهوری اسلامی مهم بود که برای تکمیل پروژه ضد انقلابی خود به کردستان حمله نماید. خمینی با فرمان جنایتکاران خود با بسیج تمام نیروهای ضد انقلابی سپاه پاسداران، بسیج، گله حزب الله و ارتش از زمین و هوا به کردستان حمله و بخش زیادی از شهرها و روستاهای آن را ویران و به خاک و خون کشید و در دادگاههای چند دقیقه ایی به فرمان خلخال مزدور تعداد زیادی را در شهرهای کردستان به طور دسته جمعی اعدام کردند. در نتیجه برای کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان هیچ راهی باقی نمانده بود به غیر از سازمان دادن مقاومت در تقابل با این حمله و حتیانه رژیم و دفاع از دستاوردهای مردم کردستان که در نتیجه انقلاب بدست آورده بودند. حمله و حتیانه رژیم به کردستان و مقاومت قهرمانانه مردم در شهرهای کردستان به بخشی جدایی ناپذیر از تاریخ کمونیستها و آزادیخواهان در ایران و کردستان تبدیل شده است و حزب حکمتیست مسئولانه و بدرست برای ارج نهادن به این مقاومت و زنده نگه داشتن خاطره آن و

کمونیستها و آزادیخواهانی که در این راه از خود مایه گذاشتند و یا جان خود را از دست دادند فراخوان اعتصاب عمومی را داد. علاوه بر این، فراخوان در شرایطی داده شد که اتفاق دیگری در ایران افتاده بود. پس از سی سال جنگ و مقاومت و مبارزه مردم علیه رژیم اختلافات درون جناحی حکومت تشدید شده و از هر زمانی عمیق تر شده و جنبشی به نام جنبش سبز شکل گرفته بود. ماهیت این جنبش چیزی نبود بغیر از اختلافات مقامات بلند پایه حکومتی بر سر پول و ثروت و قدرت، و توانسته بودند مردم را به میدان بیاورند و متأسفانه توانستند بخش زیادی از چپ و راست را پشت این خط سبزرگدآورند، حزب حکمتیست بدرستی تشخیص داد و از همان ابتدا با این جنبش مخالفت کرد. اعلام کرد که نفع و خواست و مصلحت مردم در این حرکت نیست و در ادامه تلاش کرد صف مستقل آزادیخواهان و کمونیستها را شکل دهد و بهترین و مطلوبترین مکانی که میتواند این صف مستقل در آن شکل بگیرد کردستان بود، انتخاب کردستان بدلیل سابقه تاریخی و بدلیل وجود قطبی قوی از کمونیستها و سوسیالیستها بود که می توانستند نوعی دیگروراهی دیگر را در تقابل با جمهوری اسلامی و سرنگون کردن آن و تقویت کردن جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی نشان دهند به این اعتبار حزب حکمتیست به پای این فراخوان رفت و خوشبختانه این فراخوان از طرف طیف وسیعی از انسانهای کمونیست و آزادیخواه جواب گرفت و همچنان که خود شما هم اشاره کردید بیش از ۲۰ نفر از کمونیستهای شناخته شده هم بیانیه داده و از این حرکت دفاع کردند و از همه مردم کردستان خواستند که در این حرکت شرکت کنند و این باعث شد که افق و امید و آرزو در دل هزاران نفر از مردم چه در کردستان و ایران و چه در خارج از ایران درست کند. همه این مسائل سبب شد که حزب ما با انرژی و توانایی زیادی پای فراخوان اعتصاب عمومی برو، اما در کنار این همه مسائلی که گفته شد این حرکت با خواست و مطالبه تعدادی از انسانهایی که بهر دلیلی خسته یا سرخورده بودند و با دشمنی سرسختانه ای با پیشروی کمونیسم و رادیکالیسم در کردستان دارند تناقض داشت به همین دلیل در مقابل این حرکت سنگربندی کردند و علیه ما شروع به تبلیغ و سخنرانی کردند، اتهام زدند و... در همین رابطه دوست دارم به دو موضوع اشاره کنم که مابه ازای فراخوان برای اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد و استقبالی که از طرف توده های محروم جامعه از آن شد. هر چند ممکن است که مستقیماً جواب به سوال شما نباشد. خیلی از شخصیتهای راست و چپ جامعه تحت تاثیر این واقعه به اظهار نظر پرداختند، چه کسانی که سازنده مقاومت و دفاع در برابر یورش وحشیانه جمهوری اسلامی بودند و چه کسانی که سازنده و معمار این کشتار مردم بودند. یکی از این افراد بنی صدر است. بنی صدر از کسانی است که در این فاصله و در اثر این فشار به اظهار نظر پرداخته و گفته است که در این اتفاق کومه له و خمینی مقصر بودند و اگر آنها نبودند میشد جلوی یورش را گرفت. فکر میکنم سخن بنی صدر تازگی ندارد اگر بیاد بیاوریم همان زمان که این مقاومت سازمان داده شد خیلی از آنهایی که بعدها به مهره های اصلی قدرت گیری رژیم و

بخشی از این سناریو در شهرهای کردستان شدند این گونه سخنان را علیه کمونیستها بر زبان می آوردند و میگفتند این کمونیستها یا چپ روی و تند روی آنان بود که رژیم را وادار کرد به کردستان حمله کند. در حالی که وقتی به این تاریخ برمیگردیم اتفاقاً تا آنجایی که به کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان برمیگردد برای دفاع از دست آوردهای انقلاب و برای جلوگیری از جنگ، تمام تلاششان را بکار گرفتند. کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان برای ممانعت از جنگ و درگیری تمام تلاش خود را کردند که من تنها به نمونه هایی از آن اشاره میکنم. یکی از این تلاشها کوچ دسته جمعی مردم میوان بود. مردم یک شهر به تمامی از شهر کوچ کردند برای اینکه جمهوری اسلامی را متوجه کنند خواهان جنگ نیستند بلکه تنها خواهان دفاع از دست آوردهای انقلابی هستند که برای آن خون داده اند و میخواهند علاوه بر دفاع از دست آوردهای انقلاب این دست آوردها را گسترش دهند، سازماندهندگان این کوچ هم اکنون حی و حاضر هستند و هر کسی میتواند برود و آنها را ببیند. در این همین رابطه مردم شهرهای دیگر کردستان با سازماندهی کمونیستها برای دفاع از کوچ کنندگان و برای مقابله با جنگ به سوی میوان به راهپیمایی پرداختند. در کامیاران اکثریت مردم این شهر در مقابل تانکهای رژیم که برای یورش به کردستان روانه شده بودند در جاده ها تحصن کردند و از حرکت تانکها و ستونهای رژیم بطرف کردستان جلوگیری کردند. هزاران نفر از مردم سنج در استاندار کردستان تحصن کردند، تحصن مردم روستای باوه ریز در نزدیکی سنج در مقابل تانک و توپهای رژیم (در همان زمان خمینی گفته بود من میدانم کومه له و دمکرات چیست اما نمیدانم بابا ریز دیگر چیست). تمام این وقایع را که مرور میکنی بخشی از تلاشیایی است که کمونیستها و آزادیخواهان کرده اند که جلوی جنگ را بگیرند منتها خمینی و بنی صدر، جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران میدانستند و عزم کرده بود که تثبیت قدرت در ایران و تثبیت سرمایه داری و دولت موقتش برای دفاع از سرمایه داری، در گرو سرکوب انقلاب در کردستان است و در این مورد هیچ ابهام و توهمی نداشت. آقای بنی صدر اکنون به یکی از منتقدان خمینی تبدیل شده است و این که خمینی نباید این کار را میکرد، بنی صدر در زمانی این گفته را بر زبان می آورد که او را در این تقسیم قدرت و ثروت کنار گذاشته اند و محروم کرده اند. وی کسی بود که قبل از حمله به کردستان، مردم و انقلابیون ترکمن صحرا را سرکوب کرده، قبل از آن زنانی را که با شعار نه روسری نه تو سری به خیابان آمده بودند سرکوب کرد. قبل از یورش به کردستان کسی بود که کارگرانی را که برای خواست و مطالبات خود اعتصاب کرده و شوراهایشان را تشکیل داده بودند سرکوب کرد شعار آقای بنی صدر در آن مقطع این بود که "شورا پورا مالیده" در نتیجه لطفاً این ژست را نگیرد، چون روزی از روزها باید در مقابل اعمالی که مرتکب شده جوابگو باشد. او هم فردی است مانند اصلاح طلبانی که اکنون به این دلیل که از قدرت کنار گذاشته شده اند ظاهر! از آزادی زندانیان سیاسی دفاع میکنند. در حالی که خودشان قبلاً هزاران نفر را

در زندانها و بیرون زندانها به طور دستجمعی به قتل رسانند والان عاشورای حسینی راه اندخته اند. این سخنان بنی صدر به هیچ وجه واقعیت ندارد و آن چه به مردم و کمونیستها و آزادیخواهان بر میگردد تلاشی بود که جنگ صورت نگیرد. مسئله دیگر تلاش ناسیونالیستها است که گویا این روز روزی ملی است و دلیل یورش رژیم و فتوای خمینی هم در این رابطه بود که این هم حقیقت ندارد به این دلیل هنگامی که به یورش رژیم به کردستان نگاه میکنیم متوجه میشویم رژیم برای تثبیت خود از هیچ جنایتی رویگردان نبود و همچنانکه اشاره کردم تمام توانایی خود را بکار گرفت برای سرکوب دستاوردهای انقلاب در کردستان. اتفاقا سازشکاری و ماماشات ناسیونالیستها و در اسان آن حزب دمکرات و لیبیک گفتن سران آنها به خمینی و همراهی کردن ستونهای نظامی رژیم به داخل پادگانها در تسریع حمله به کردستان و پایین آوردن توان مقاومت مردم نقش مهمی را در این رابطه ایفا کردند. منتها نه مردم و یا کسانی که در برابر این یورش مقاومت کردند و یا آن را سازمان دادند اصلا" و ابدا" ربطی به مسئله ملی و جنبش ملی نداشتند و نه خود جمهوری اسلامی به این خاطر به کردستان حمله کرد. برای خمینی سرکوب انقلاب اساسا هدف بود و برای کسانی که این مقاومت را سازمان دادند دفاع از دستاوردهای انقلاب و گسترش آن نقطه حرکت آن بود. هدف کمونیستها و آزادیخواهان دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی، دفاع از حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، دفاع از برابری زن و مرد، دفاع از حق کودک و دفاع از شوراها و بنکهای محلات بود و جمهوری اسلامی این خطر را احساس کرده بود، احساس میکرد در برخی از مناطق قدرتش رو به کاهش است و در کردستان انقلاب ادامه دارد و قطبی از آزادیخواهان در حال دفاع از دست آوردهای انقلاب هستند. تا زمانی که یورش به کردستان با فرمان خمینی آغاز شد شهرهای کردستان که بوسیله احزاب و مردم اداره میشد، بدلیل قوی بودن دفاع از دست آوردهای انقلاب حتی یک بار هم حزب دمکرات جسارت نداشت که از طرح خودمختاری و این گونه برنامه ها صحبت کند چون این موقعیت و فضا در جامعه وجود نداشت بلکه برعکس فضا، فضای دفاع از انقلاب و خواست مطالبه کارگران و زنان و دفاع از آزادی بی قید و شرط و دفاع از انسانیت بود و اجازه طرح شعار و مطالبات انحرافی را نمی داد. یورش جمهوری اسلامی به کردستان سبب تقویت خواست خودمختاری و یا خواسته های دیگری در این رابطه شد در کردستان. شروع جنگ مسلحانه که یکی از سنتهای واقعی و پایه ای جنبش ملی است با وقوع حمله رژیم به ناسیونالیسم میدان داد که این نوع خواستها را مطرح نماید و موقعیت بهتری را نصیب احزاب ناسیونالیست کرد. شخصا" در مقابل این سوال قرار گرفته ام که کمونیستها یا حکمتیستها و 28 مرداد؟ چه ربطی به همدیگر دارند؟ باید گفت ربط این دو مقوله به هم اینست که کمونیستها صاحبان اصلی این تاریخند و از آن دفاع کردند و اکنون نیز تنها مدافعان آن هستند و تا پیروزی نیز از آن دفاع خواهیم کرد. اما با تمام اینها این حرکت، حرکتی بود که توانست به اهدافی که برای خود ترسیم کرده بود دست یابد.

**اکتبر: فراخوان حزب حکمتیست مبنی بر اعتصاب عمومی از سوی فعالین و محافل سیاسی با چه عکس العمل هایی روبرو شد؟**  
**رحمت فاتحی:** از مسائل مهمی که این فراخوان بدنبال داشت این بود که راست و چپ جامعه را مجبور به واکنش کرد. برای اولین بار پس از سی سال یک حزب کمونیستی فراخوان داد و در این فراخوان از جامعه و طبقه کارگر و زحمتکش آزادیخواه کردستان درخواست کرد که برای گرامیداشت یاد و خاطره کمونیستها و انسانهای آزادیخواهی که در مقابل یورش خمینی و نظام سرمایه داری به کردستان به مقاومت و دفاع برخاسته بودند اعتصاب کنند ( منظورم صدور اطلاعیه نیست چون هر ساله اطلاعیه داده شده است) برای اولین بار یک حزب بصورت عملی به سازماندهی و شکل دادن اعتصابی می رود که به جمهوری اسلامی نه بگوید، این نکته اساسی این حرکت بود و به همین اعتبار با اعتصاب عمومی، یاد و خاطره تمام کسانی که در این راه جان باختند را بار دیگر زنده نگه داشت، یکبار دیگر با صراحت به جمهوری اسلامی اعلام شد که شکل دیگری، فکر دیگری و جنبش دیگری در جامعه وجود دارد که با کلیت نظامش مخالف است و به آن نه میگوید، همین امر باعث شد سازمانها و شخصیتهای گوناگون موضع بگیرند و بحث داغ و پرشوری در بین احزاب و بخصوص جناح راست درست کند و اگر یادتان باشد جمعی از ناسیونالیستها حتی قبل از ما 28 مرداد را عزای عمومی اعلام کردند و در همان زمان حزب حکمتیست اعلام کرد این آلترناتیو نیست و راه اشتباهی است و مردم کردستان احتیاجی به عزای عمومی ندارند و هیچگاه به این گونه حرکات برای مقابله با جمهوری اسلامی عقیده نداشته اند بلکه احتیاج به مبارزه در میدان واقعی دارند و طبعاً" حزب بدرست در این مورد تصمیم گرفت حتی در اثر کار و فعالیت و تبلیغ وسیع حزب ما تعدادی از افرادی که مدافع عزای عمومی بودند، در ادامه در بحث و صحبتهایشان در تلویزیونها و جاهای دیگر به نادرستی این حرکتشان پی بردند و اقرار کردند عزای عمومی راه حل نیست. اگر توجه کرده باشی در این فاصله اکثر تلویزیونها یونهای کردی با برپایی میزگرد و بحث و گفتگو متوجه شدند که راه حلی که میتواند جوابگوی این مسئله باشد مقاومت از راه اعتصاب و اعتراض به جمهوری اسلامی است. بنظر من این حرکت همچنان که گفتیم امید و افقی تازه در مقابل جامعه قرار داد و خون تازه ای در رگ انسانهای مبارز جاری ساخت و این امید را داد که میشود نوعی دیگری با فکر و دیگری به شکل دیگری از مبارزه را در مقابل جمهوری اسلامی سازمان داد و یکی از نتایج آن هم همان گونه که گفتیم امضای 420 نفر از کمونیستها پای فراخوان اعتصاب است البته این تعداد تنها از بخش علنی است، هزاران انسان دیگر در داخل کردستان در این اعتصاب مشارکت کردند و کسانی که خود در شکل دادن و سازماندهی آن نقش داشتند جزئی از این کمپین بودند که متأسفانه امکان آن نیست که بیایند بطور علنی دفاع کنند و کار مهمی که کردند با افتخار از آن یاد کنند. احزاب دیگر و افراد منفرد وقتی این استقبال گرم را از سوی مردم دیدند به طبع نمی توانستند سکوت کنند تعدادی با سمپاتی

برخورد کردند، تعدادی مخالفت کردند و تعدادی آرزو داشتند که این اتفاق نیافتد و علیه ما سنگر گرفتند و تبلیغ کردند و این حرکت را ناسیونالیستی قلمداد کردند. سعی کردند احزابی که فکر میکردند میتوانند در کردستان نقش داشته باشند در موقعیتی قرار دهند که نتوانند به این کمپین ملحق شوند چون منافعشان این گونه ایجاب میکرد  
**اکتبر: بدون شک سازماندهی اعتصاب عمومی با این ابعاد نیازمند کار و تلاش شیانه روزی است، حزب حکمتیست و کمپیته کردستان در راستای عملی شدن اعتصاب عمومی در کردستان چه اقدامات و فعالیتهایی را انجام دادند تا این فراخوان با موفقیت به سرانجام رسیده و با استقبال عمومی روبرو شود؟**  
**رحمت فاتحی:** ما از همان ابتدا که فراخوان را دادیم میدانستیم که این حرکت با استقبال توده مردم زحمتکش و کارگر روبرو میشود. علت این امر روشن است این حرکت که حزب ما در جهت سازمان دادن آن حرکت کرده بود، پایه و زمینه های واقعی آن در جامعه کردستان موجود بود، بخش زیادی از مردم کردستان اعم از زن و مرد، پیر و جوان از این یورش ددمنشانه ضربه سنگینی خورد و به همین دلیل سخن ما این بود که این روز، روزی نیست که مربوط و مختص به یک فرد، یک شهر و یا یک نقطه و مکان خاص باشد بلکه تمام جامعه کردستان را شامل میشود. اگر دقت کنید اکثریت مردم کردستان از این حمله صدمه خورد، فرزندان مردم کشته شدند، آواره شدند، خانه هایشان در اثر بمباران و توپ باران ویران شد، شیرازه جامعه از هم پاشید، بهمین دلیل میدانستیم زمینه واقعی در این جامعه وجود دارد و میدانستیم در حال حاضر هم در کردستان مخالفت با جمهوری اسلامی به شدت وجود دارد و مردم خواهان نابودی جمهوری اسلامی هستند و نهایت امید و آرزوی مردم این است که روزی سایه این نکتب بر سرشان نباشد و اعتقاد داشتیم حزب ما میتواند برای موفقیت این اعتصاب برنامه بریزی دقیقی انجام دهد و انرژی و توانایی خود را در این جهت بکار بگیرد و بخصوص وجود کادریهایی در این حزب که خود سازمانده این مقاومت درسی سال گذشته بوده اند و نقش اصلی و اساسی در ایستادگی و مقاومت علیه جمهوری اسلامی داشته و دارند میتوانند در ارتباط تنگاتنگ و با کمک و هماهنگی فعالین کمونیست در محل اعتصاب را به موفقیت برسانند و در عمل درستی این نظریه را شاهد بودیم. در فاصله کوتاهی توانایی هایمان را بکار گرفتیم تا این اعتصاب را سازمان دهیم. سازماندهی یک اعتصاب کار ساده ای نیست و بخصوص سازماندهی یک جامعه، نه یک کارگاه، نه یک مکان و نه یک محیط آموزشی، این کار نیازمند صرف انرژی بسیار زیاد و مجموعه ای از امکانات و وسیع است این تنها یک وجه قضیه است وجه دیگر آن این است که شما با حکومتی وحشی و درنده روبرو هستید که هر نوع حرکت اعتراضی در بطن جامعه را به خونین ترین وجه سرکوب میکند و در طی اسلهاهی گذشته نیز این کار را بطور مستمر انجام داده است و توانسته تا حدی مردم را مرعوب کند اما با همه اینها مردم از این اقدام استقبال کردند. اقداماتی که ما در این رابطه انجام دادیم دارای جنبه های مختلفی بود یکی از



**از کردستان از سوی مردم جواب مثبت گرفت، در ارزیابی از مجموعه اقدامات صورت گرفته، فکر میکنید چه کارها و فعالیتهای مبادیست اضافه بر آن چه انجام دادید صورت میگیرد تا دامنه اعتصاب از آن چه بود گسترده تر میشد؟**

**رحمت فاتحی:** برای حزب ما رهبری آن این گونه کارها تازگی ندارد و علی القاعده با آن بیگانه نیستیم. کسانی که این حزب را تشکیل داده و بدان شکل داده اند کارهایی از این نوع را در گذشته انجام داده و در تداخل و سازماندهی اعتصابات گسترده و عظیم نقش موثر داشته، در سازماندهی مبارزات بسیار بزرگ دخالت کرده است و حتی همین ۲۸ مرداد که در مورد آن بحث میکنیم سازندگان این تاریخ و اساساً رهبران و کادرهای آن در حزب حکمتیست هستند به همین اعتبار قاعدتاً ناپیوستی سازمان دادن این اعتصاب برای ما عرصه ناشناخته ای باشد. اما واقعیت این است که رفتن به سوی این گونه کارهای بزرگ در این شرایط کار ساده ای نیست بخصوص با وجود حکومتی جنایتکاری مثل جمهوری اسلامی که هرگونه اعتراضی را با زندان و شکنجه و حبسهای طویل المدت در نطفه خفه کرده و بدان جواب میدهد کار ساده ای نیست اما با وصف این بنظم میتوانستیم ابعاد و وسعت این اعتصاب را بسیار بیشتر گسترش دهیم. امیدوارم حزب ما در فرصتی جمع بندی کاملی از این حرکت ارائه دهد چون این حرکت در کردستان و ایران در دستور کار حزب قرار گیرد چون بعد این کار مختص به کردستان نبود و تأثیرات آن نیز فراتر از کردستان بود و تأثیرات مهمی در سطح ایران خواهد داشت. علت این امر مشخص است و آن هم این است که تلاش ما این است که به شکل گیری قطبی کمونیستی و سوسیالیستی در تقابل با جنبشهای ارتجاعی سبز و سیاه و یا هر جنبش ارتجاعی دیگر نه تنها در سطح کردستان بلکه در سطح ایران کمک کنیم. به نظرم با تلاش بیشتر و فعالیت گسترده تر میتوانستیم ابعاد این حرکت را گسترش دهیم. یکی از مشکلات ما در این رابطه نبود تلویزیون بود متأسفانه در شرایطی فراخوان اعتصاب دادیم که تلویزیون پرتو با تعطیلی روبرو شد. شاید این یکی از مهمترین ابزار تبلیغ و قانع کردن مردم برای پیوستن به اعتصاب و گسترش آن بود. لازم بود کادرهای ما رهبری حزب که در شکل گیری مقاومت و سازماندهی آن نقش داشتند وقت و انرژی بیشتری صرف این کار میکردند. چون تک تک این افراد نفوذ کلام دارند و خود این ارتباط میتواند اعتماد و اطمینان و قدرت و افق و دلگرمی را منتقل کند این گونه موارد باید از فعالیتهایی باشد که در دور آینده و در حرکات آتی مد نظر قرار بگیرد. مسئله دیگر ویکی از مشکلات مهم مسئله مالی بود زیرا سازمان دادن این گونه حرکات نیازمند امکانات وسیع مالی است که ما نداریم، هرچند تا جایی که امکان داشت توانستیم هزینه ها را در حدی تامین کنیم ولی ناکافی بود، بدون شک اگر امکانات مالی بهتری داشتیم امکان تبلیغی و وسعت کار ما بیشتر شده و نتیجه بهتری میگردانیم.

**اکتبر: نتایج دست آوردهای اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد تا چه اندازه در پیشبرد جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در سطح ایران**

باشی انعکاس اخبار مربوط به اعتصاب هم کمتر از واقعیتی بود که در دنیای واقعی در کردستان اتفاق افتاده اکثر شهرهای کردستان درگیر اعتصاب شد و بخصوص به میزانی که ما به مثابه حزب حکمتیست در شهرهایی که تمرکز و تلاش بیشتری کرده بودیم یا حداقل شخصیهایی که خودشان سازندگان این تاریخ بودند احساس مسئولیت کرده و دخالت کردند به همان میزان جواب درخور گرفتند. وقتی دقت میکنید این مسئله در مریوان، سنندج، کامیاران، بوکان، سقز و بانه و کرمانشاه را هم دربر گرفته بود و دلیل یک مشکل واقعی که وجود دارد یعنی سانسور شدید و فشار و خفقان تحمیلی از سوی رژیم جمهوری اسلامی در این روز مشخص برای عدم شکل گیری اعتصاب و همچنین انعکاس اخبار مربوط به آن، حزب نتوانست آن چنان که شایسته است میزان و ابعاد آن را منعکس و نشان دهد. اما این که این اعتصاب در کجا و در بین چه بخشهایی از اجتماع مورد استقبال بیشتری قرار گرفت بنظم بیشترین استقبال از این پروژه و این اعتصاب توسط طبقه کارگر و زحمتکش و مغازه داران تهیدست و فقیر جامعه در شهرها صورت گرفت. اگر توجه کرده باشید اولین اخبار رسیده از اعتصاب از شهر سنندج و از مراکز کارگری و صنعتی شهرک صنعتی این شهر مخابره شد که کلاً به اعتصاب پیوسته بودند و سپس سایر بخشها در شهر بدان ملحق شدند. این پیشوازی و استقبال را میتوانیم در بیشتر شهرهای کردستان ببینیم و به همین دلیل بود که میگفتیم ایجاد یک صف مستقل مبارزاتی ممکن است و این صف مستقل باید توسط کمونیستها و کارگران سازمان داده شود و نوعی دیگر از مبارزه و اعتراض را با خواست و مطالبه مشخص علیه جمهوری اسلامی را در مقابل جامعه قرار دهند و این اتفاق بود که در کردستان افتاد. در مورد فشارهای وارده از سوی رژیم در پیوستن به اعتصاب باید بگویم، جمهوری اسلامی همزمان با فراخوان حزب برای اعتصاب، تمامی دم و دستگاههای امنیتی خود را از نیروی انتظامی گرفته تا اطلاعات و انواع و اقسام ستادهایی که به منظور سرکوب و فشار سازمان داده است بکار گرفت تا بتواند با اعتصاب مقابله کند و نگارد این اتفاق بیفتد، حتی پیش از اعتصاب چندین گزارش و خبر در این رابطه به دست ما رسید که ما لازم ندیدیم آن را منعکس کنیم. مهاباد یکی از این شهرها بود و جمهوری اسلامی در مناطقی که اعتصاب شکلی از اعتراض و سنتی جا افتاده تر است بیشتر مردم را تحت فشار قرار میدهد. جمهوری اسلامی مردم را تحت فشار زیادی گذاشت و هر اقدامی را که فکر میکردند در جلوگیری از اعتصاب موثر است به عمل آوردند. در بعضی از شهرها جمهوری اسلامی توانست از ابعاد اعتصاب بکاهد ولی نتوانست از آن جلوگیری کند و در نقاطی که قطب کمونیستها و آزادیخواهان دارای پتانسیل و توان بیشتری بود و یا حداقل رهبرانی که در این باره مصمم بودند که به این اعتصاب شکل دهند ابعاد وسیعتری گرفت از جمله در سنندج، مریوان، کامیاران و سایر نقاط این اتفاق بود که افتاد.

**اکتبر: با توجه به ابعاد اعتصاب و این که فراخوان حزب و کمونیستها در مناطق گسترده ای**

مهمترین جوانب کار مسئله تبلیغ و به حرکت درآوردن تشکیلاتهایمان در داخل شهرها و تشکیلات علنی حزب بود. ارتباط با افرادی که میدانستیم در میان مردم نفوذ کلام دارند. از آنها دعوت شد برای مشارکت در سازماندهی اعتصاب شرکت کنند. یکی از راه های مهم و اساسی که میتوانست بردامنه و وسعت اعتصاب تأثیر مستقیم داشته باشد تلویزیون پرتو بود که متأسفانه دو یا سه روز پس از فراخوان تعطیل شد اما در همین مدت بسیار کوتاه نیز تلویزیون توانست تأثیرات مثبتی داشته باشد و در روزهای مانده به ۲۸ مرداد کمبود آن احساس میشد. یکی از اقدامات دیگر پخش وسیع اطلاعیه و تراکتهای مربوط به اعتصاب در شهرهای کردستان بود که اخبار و عکسهای آن در سایتها و تلویزیون و نشریات منعکس شد، در این مدت هزاران نسخه تراکت و اطلاعیه های حزب در همه شهرها ی کردستان پخش شد. مسئله دیگر ارتباط گیری بود، برای اولین بار در طول سالیان گذشته صدها و هزاران نفر با شور و شوق پای به عرصه گذاشتند چه آنهایی که فراخوان را امضا کرده بودند و چه آنهایی که حتی فراخوان را امضا نکرده بودند اما دلشان با ما میزد دوباره فعال شدند، ارتباط هایشان را زنده کردند و از طریق ایمیل و تلفن و با تمام امکاناتی که در اختیار داشتند با مردم ارتباط برقرار کردند تا آنها را قانع کنند و درخواست کردند که به اعتصاب ملحق شوند و دلیل اهمیت این روز را یادآور شدند. حرکت مهم دیگری که در این رابطه داشتیم سازمان دادن فعالیت گارد بود در این مقطع این یکی از مهمترین حرکاتی بود که میتوانست این پروژه را تقویت کند. گارد آزادی در مرداد ماه ۲ برابر از وجود کرد (۳ مرداد و ۲۳ مرداد) که در عملیات ۲۳ مرداد ماه واحد گارد توانست تأثیر به سزایی بگذارد نه تنها در سطح شهر مریوان و سنندج بلکه در سطح بقیه شهرهای کردستان دلیل تردد تعداد زیادی از مردم شهرهای دیگر ایران، هرچند محل عملیات جاده ای بود که شهرهای مریوان و سنندج را به هم وصل میکرد و از همین راه بیشتر از ۱۰۰۰ نسخه از تراکتهای ویژه اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد به شهرها رسید و در همین روز تعداد زیادی از مردمی که شاهد حضور گارد آزادی بودند اعلام آمادگی کردند و متعهد شدند که بعنوان بخشی از این پروژه و کمپین عمل کنند و این یکی از مهمترین فعالیتهای این دوره بود و همچنین تلاشهای زیادی نیز در جهت فراهم کردن امکانات مالی برای تامین آن صورت گرفت.

**اکتبر: دامنه اعتصاب عمومی در کردستان کدام مناطق و شهرها را دربر گرفت و حضور چه افشار و طبقاتی از جامعه در پیوستن به اعتصاب پررنگ تر بود؟ همچنین طبق اخباری که در سایتهای خبری درج شد در بعضی از شهرها نیز نیروهای نظامی و امنیتی رژیم از ملحق شدن مردم به اعتصاب جلوگیری کردند، لطفاً از دامنه و وسعت اعتصاب بگویند.**

**رحمت فاتحی:** بنظم استقبال مردم از اعتصاب عمومی در ۲۸ مرداد بیشتر از توقعات و انتظارات ما بود. هر چند ما از ابتدا مطمئن بودیم این حرکت با اقبال عمومی روبرو میشود اما اینکه میزان مشارکت مردم در چه حدی خواهد بود بیشتر از انتظارات معمول بود. اگر توجه کرده

میتواند موثر باشد و آن را چگونه ارزیابی میکنید. اساساً فکر میکنید این حرکت توانسته است جنبش آزادیخواهی را تقویت کند؟

**رحمت فاتحی:** قطعاً، تقویت کرده و خواهد کرد. ما از روز اول هم گفتیم که فراخوان به اعتصاب عمومی تلاش آگاهانه ما برای شکل دادن و تقویت قطب جنبش آزادیخواهان مردم میباشد در تقابل با بقیه جنبشهای دیگر تلاشی است که اعتماد و اطمینان را به مردم بازگرداند، قدرت تصمیم گیری و فضا و موقعیت در جامعه فراهم کند که بتواند بحث و آلترناتیو خود را در جامعه طرح کند که در این راستا اعتصاب عمومی موفق به این کار شد.. در سخنان قبلی هم اشاره کردم در حال حاضر وضعیتی در ایران درست شده است که جنگ درونی سران رژیم بر سر ثروت و سامان این جامعه که جنگی واقعی است توانست بخش وسیعی از مردم را به میدان بکشاند هر چند روز به روز شاهد تضعیف این صف هستیم و به اعتبار نمایندگان این حرکت مردم روز به روز متوجه میشوند که اینها ربطی به منافع و مصلحت مردم ندارند، در مقابل این حرکت اکنون قطبی شکل گرفته است که این قطب خواهان آزادی برای تمامی انسانها است، خواهان نابودی کلیت جمهوری اسلامی است و این حرکت توانست فضایی بوجود آورد که مردم زحمتکش و کارگر به میدان بیایند و خود را سازمان دهند و به دور حزب خود گرد آیند تا جمهوری اسلامی را به زیر آورده و حکومتی را به سرکار بیاورد که جوابگوی نیازهای انسانی وی باشد، این حرکت در این راستا انجام گرفت. یکی از دست آوردهای مهم این اعتصاب بازگرداندن اعتماد از دست رفته به کارگران و کمونیستها و تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب بود و نشان داد میشود با اتکا به خود و رهبران خود و تشکل مستقل خود در تقابل با سایر جنبشها به میدان آمد و در مسیر برداشتن جمهوری اسلامی گام برداشت. این حرکت تأثیرات روحی، سازمانی و جنبشی مهمی بر مردم داشت که سالها بود از مردم بازپس گرفته بودند. این اعتصاب میتواند بار دیگر افق و امید را به مردم بازگرداند و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را در کردستان و ایران تقویت کند و بنظر کمونیستها و رهبران کارگری و سازماندهندگان این حرکت در کردستان نه تنها در جامعه کردستان راه نشان دادند که میشود با اعتصاب یکپارچه جمهوری اسلامی را به عقب نشینی و ادار ساخت بلکه در سطح ایران هم راه نشان داد که این راهی است که جامعه ایران بدان نیاز دارد که با اتکا به نیروی طبقه کارگر و زحمتکش میتوان در مقابل جمهوری اسلامی ایستاد و سرنگونی رژیم را از این راه با اتکا به طبقه کارگر و زحمتکش جامعه هموار کرد و صف خود را از در مقابل هر جریان ارتجاعی مانند جنبش سبز و سپاه که مردم را گوشت دم توپ کرده اند جدا کرد.

در پایان میخواهم از فعالین حزب و کارگران و زحمتکشان و سازماندهندگان این حرکت و همه مردمی که اعتصاب عمومی را ممکن کردند تشکر کنم و برایشان آرزوی موفقیت در تمام عرصه های زندگیشان را دارم.

با تشکر از رفیق رحمت فاتحی

## اعتصاب ۲۸ مرداد در کردستان

### درسها و دستاوردها

متن سخنرانی اسد گلچینی

**با تشکر از رفقای تشکیلات انگلیس حزب کمونیست کارگری - حکمتیست که این جلسه را فراهم کرده اند.**

**با تشکر از رفیق سیف خدایاری برای تهیه نوشتاری سخنرانی و ادیت آن**

بحثی را که قرار است امروز به آن بپردازیم، بیست و هشت مرداد، درسها و دستاوردهایش است.

در بیست و هشت مرداد چه گذشت؟

برای بسیاری از افراد که نمی دانند و سؤال دارند و با ناروشن هستند باید بگویم فراخوانی که امسال حزب حکمتیست به اعتصاب عمومی در کردستان داد، در سطح نسبتاً وسیعی جواب گرفت و در شهرهای مختلفی اعتصاب بوقوع پیوست. در مناسبت های مختلفی در کردستان فراخوان اعتصاب داده می شود و این هم یک نوع از آن بود. فراخوان اعتصاب این بار، فراخوانی از طرف کمونیستها بود و آنها پای مسأله فرخوان دادن به مردم و کارگران رفتند. کمونیستها و جامعه به یک مقابله جدی، رادیکال و توده ای در مقابل جمهوری اسلامی و سرکوب و استبدادی که هست فراخوان دادند و جواب گرفتند. در خیلی از شهرهای کردستان و حتی مناطق روستایی از کامیاران و سنندج تا سقز و بوکان تا مهاباد و بانه، پای اعتصاب عمومی رفتند. حتی الان هم ما داریم کم کم اخبار بیشتری از اعتصاب می شنویم. ابعاد اعتصاب در شهرهای کردستان و پاسخی که داده شد از اخبار اولیه ای که ما دادیم فرا تر است.

فراخوان اعتصاب عمومی با خواستی که مردم داشتند با راه حلی که مردم برای ادامه مبارزه دارند و انتخابی که باید در مقابل رژیم و در مقابل با استبداد و وضعیتی که در ایران هست منطبق شد، ما این را میدانستیم.

جمهوری اسلامی تلاشهای بسیاری کرد که مانع شود. ما یک بخش از این تلاشها را دیدیم، بخشی از آن را شنیدیم. بخشی از این تلاشها را در نامه ها و جلسات مهمی که مقامات امنیتی جمهوری اسلامی که در سطح کردستان و در شهرها گرفتند و نیروهای مسلح، انتظامی و امنیتی را بکار گرفتند تا به جان مردم بیندازند و جلوگیری کنند از اتفاقی که باید می افتاد. این اعتصاب تمام شهرها را در بر گرفت، تمام اصناف را در بر گرفت، تمام شبکه های فعالین و کسانی که در شهرها سرشناس هستند و عموماً در رأس مبارزه هستند، تحت تأثیر این فضا بودند. در چنین وضعیتی حرکت رژیم و تهدیدات ( الان بر می گردم که در کردستان، احزاب و جریانات سیاسی جا افتاده و مهمی دارد که در میان مردم شناخته شده هستند، حرفهایشان تأثیر دارد و اینها چه عکس العملی داشتند. ) تأثیر داشت. اما مهمترین مانعی که در مقابل فراخوان اعتصاب

عمومی وجود داشت حرکات رژیم بود و در غیر این صورت می توانست ابعاد اعتصاب را خیلی بیشتر بکند و بیشتر مایه تعجب نا باوران بشود که فراخوان کمونیستها جواب بگیرد.

با این وجود، خوشبختانه کارگران در سنندج اعتصاب را شروع کردند. از همان صبح روز بیست و هشت مرداد تعداد بسیار زیادی از کارگران، کارگاهها را تعطیل کردند و به استقبال این اعتصاب رفتند. اعتصاب عمومی را آنها اعلام کردند. در سنندج تا ساعت ها از صبح کارگاهها و مغازه ها باز نشد و جمهوری اسلامی تلاش کرد این اتفاق نیفتد و خوشبختانه اتفاق افتاد. در میان رعب و وحشتی که وجود داشت، در شهرهای مختلف تا ظهر این رعب و وحشت ادامه داشت. اما بعد از ظهر تعداد بسیار زیادی از کارگران، اصناف و جوانان مبارز در مناطق مختلف به اعتصاب پیوستند و جمهوری اسلامی پاسخی قطعی گرفت که اعتصاب شده است، اعتصاب در جریان است و مردم دارند مقاومتشان را به این شکل انجام می دهند. این که فضا در شهرهای کردستان فضای اعتصاب و اعتراضات جدی و رادیکال بود را دیگر همه می دانستند. عکس العمل جمهوری اسلامی هم به همین فضا بود. به فضایی که می رفت منجر به این شود که فراخوان کمونیستها در شهرهای مختلف در ابعاد بزرگی صورت بگیرد. از یک ماه قبل از بیست و هشت مرداد فعالیت جدی از طرف صدها کمونیست، شبکه های کارگران و کمونیستها، شبکه های جوانان انقلابی و کمونیست، زنان در مناطق مختلف و حتی در اصناف مختلف صورت گرفته بود. این اتفاقی که در بیست و هشت مرداد افتاد و اعتصاب عمومی را ممکن کرد و عملاً بخش قابل توجهی از جامعه را به اعتصاب کشاند، یک فعالیت وسیع و حداقل یک ماهه صدها کمونیست که به فراخوان حزب حکمتیست جواب داده بودند و همراه ما شدند را پشت سر داشت. نه تنها در خارج از کشور، کمونیستهای شناخته شده که خودشان انسانهای شناخته شده و از رهبران مبارزات کارگران، کمونیستها و زنان و جوانان انقلابی در شهرهای کردستان بودند. حدود 420 انسان کمونیست این فراخوان را امضا کردند، پشت این اعتصاب آمدند، حمایت کردند و این گلوله آتشین بزرگی در جامعه بود. بیش از 400 کمونیست شناخته شده، کمونیستهایی که ضعیف ترین آنها در جوامع خودشان در محله خودشان، در محلی که کار کرده اند، در کارخانه و در دانشگاه شناخته شده اند و سالها در اشکال مختلف جنگیده اند. از رهبران و فعالین و شخصیت های مهم این جامعه بودند. بسیاری از آنها سی سال مبارزه کمونیستی و مسلحانه را سازمان دادند. برای مبارزه شان سازمان درست کردند. از این لحاظ اتفاقی که در بیست و هشت مرداد امسال افتاد به این سنگربندی محکم پشت بسته بود.

حزب حکمتیست اتفاقاً در تصمیم گیری ای که داشت نسبت به بیست و هشت مرداد، تمام این واقعیت ها را روی میز خودش گذاشته بود. می دانست که هوایی نمی توان گفت مردم اعتصاب عمومی بکنند. می دانست که یک نیروی جدی در صف کمونیستها، شبکه قوی کارگران و کمونیستها وجود دارند. و اگر بتواند همه ی

کارسیاسی - تشکیلاتی می کردند ، تعداد زیادی سمپات داشتیم. بیست و هشت مرداد بیست نفر آدم مسلح آمدیم و دفاع از آزادی و انقلاب را شروع کردیم . در جامعه خیلی از افراد کمونیست و چپ وجود داشتند مثل ما و از دل این شرایط بیرون آمده بودند و دفاع از دستاورد های آزادی و انقلاب را هدف فوری خود قرار دادند. ما بعدها ، پس از یک ماه به کومله پیوستیم. کسانی که در کردستان و در دل انقلاب بیرون آمدند عکس العملشان این بود. آنموقع همانطور که گفتیم ، ناسیونالیستها دنبال راه دیگری می گشتند . یا دنبال مذاکره بودند یا نیروهای مسلح رژیم را که برای سرکوب می آمدند به پادگانها اسکورت می کردند. ما آنها را خلع سلاح می کردیم مردم آنها را خلع سلاح می کردند و قدرتمان را با این اسلحه ها بیشتر کردیم. آنها این نیروها را اسکورت می کردند و به پادگانها می بردند تا بلکه بتوانند به این وسیله راهی برای سازش و مذاکره پیدا کنند. اتفاقاً مردم دنبال کمونیستها افتادند. کمونیستها راه را نشان دادند، چپ ها راه را به جامعه نشان دادند که جامعه به این سمت بیاید. در آن دوران می توانست یک راه تسلیم و سازش باشد. نقش کمونیستها این تاریخ را عوض کرد. تاریخی که کردستان سنگرمبارزه برای کمونیستها شد و سنگر مهمی بود که بعدها کمونیسم شکل گرفته در کومله ده سال مبارزه انقلابی ، مسلحانه و توده ای ، متشکل کردن کارگران در اول مه های بزرگ را سازمان دادند. اینها گوشه هایی کوچکی از ادامه دفاع از انقلاب و آزادی بود بویژه با آمدن کمونیسمی که منصور حکمت در رهبری اش بود. این دفاع بسیار طبقه ای تر، شفاف تر و کمونیستی تر و از هر لحاظ مربوط به طبقه کارگر و مرتبط با طبقه کارگر در ایران و در کردستان شد.

در این مقطع بعد از با اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری و اعتراضات بعدی و در این فضا که کارگران و مردم، و حتی بسیاری از سازمانهای چپ دنبال پرچم سبز موسوی و کروی رفتند، ما در حزب حکمتیست راه دیگری را نشان دادیم. همان موقع ما گفتیم دنبال این راه نروید. در بیست و هشت مرداد نشان دادیم که چنین امری ممکن است، به ما گفتند که ممکن نیست اما ما ممکن کردیم . خاصیتی که حزب حکمتیست و کمونیستهای متشکل در آن همین است. از 5 سال قبل همینطور بوده است. این یک شبه بدست نیامده است، این سیاست حزبی است که دنبال هخا هم نرفت، دنبال ناسیونالیسم کرد هم نرفت، دنبال هیچ جنبش توده ای ارتجاعی نرفت . جنبشی را که خودش می سازد، کارگران و کمونیستها دارند می سازند و مردم را دنبال خودش می کشد. این جنبش، جنبش ماست. می توانیم برویم آن را بسازیم. 28 مرداد گوشه کوچکی از آن است. گوشه کوچکی بود که نشان دادیم کارگران و کمونیستها می توانند و باید این سازمان را درست بکنند. این سازمان این تشکیلات این توده ها که دارند راهی را برای نجات از سرمایه داری و نظام استبدادی اش و قوانین اسلامی اش پیدا می کنند، راهش این نیست که دنبال یک بخش دیگر از سرمایه داری یک بخش دیگر از اسلام و یک بخش دیگر از جمهوری اسلامی بروند. نه تنها ناسیونالیستها

داشتند، وام بیکاری می گرفتند. جوانان در شرایط انقلابی حاکمیت خودشان را داشتند. سازمانهای خودشان را درست می کردند. مقرها و بنکها و شوراهای محلات و شهر و روستا در مجموع یک زندگی نوینی را بعد از رفتن رژیم شاهنشاهی درست کرده بود. این به همت و فعالیت وسیع چپ و کمونیسم در آن جامعه ممکن شده بود. آنها ادامه انقلاب و سرمایه دارانی که تازه به ریاست خمینی سر کار آمده بودند را قبول نمی کردند و همین موقع بود که کمونیستها در ایران و در رأس آنها اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت هم می گفتند که دفاع از کردستان و دفاع از کارگران بیکار آن جبهه های اصلی نبردی است که کمونیستها باید در آن دخالت داشته باشند. بیست و هشت مرداد 58 ، کمونیستها آمدند و دفاع کردند. در آن موقع ، اگر تاریخ را نگاه کنید، ناسیونالیست ها در دالانهای حوزه های علمیه قم و جماران گشت می زدند تا بقول خودشان یک راه حلی پیدا کنند که حمله نشود. جالب است که خمینی الان صحبت هایش هست و همه می شنوند که میگفت اول باید بروید اینها را سرکوب کنید بعد مذاکره کنید. خمینی نقل قول می آورد از سران اسلام که چگونه رفتند و همه را در یک روز قتل عام کردند. باید بزنید و بکشید. خلخالی را به همین دلیل فرستاد که در دادگاههای یک دقیقه ای اعدام کند. این جنبه از بیست و

**و این گلوله آتشین بزرگی در جامعه بود.**  
**بیش از ۴۰۰ کمونیست شاخته شده،**  
**کمونیستهایی که ضعیف ترین آنها در جوامع**  
**خودشان در محله خودشان ، در محلی که**  
**کار کرده اند ، در کارخانه و در دانشگاه**  
**شاخته شده اند و سالها در اشکال مختلف**  
**جنگیده اند. از رهبران ، فعالین و شخصیت**  
**های مهم این جامعه بودند. بسیاری از آنها**  
**سی سال مبارزه کمونیستی و مسلحانه را**  
**سازمان دادند. برای مبارزه شان سازمان**  
**درست کردند. از این لحاظ اتفاقی که در**  
**بیست و هشت مرداد امسال افتاد به این**  
**سنگر بندی محکم پشت بسته بود**

هشت مرداد دقیقاً ادامه همان مبارزه ای است که کمونیستها پای دفاع از انقلاب و آزادی کشاند. من به یاد دارم که آنموقع هنوز سازمانهای شسته رفته نبود. بعد از بیست و هشت مرداد بود که حتی کومله از سازمان "جمعیت ها" بیرون آمد. البته از قبل وجود داشت اما بیرون آمد و سازمان خودش را مستقل کرد. ما یک سازمان بودیم که در گوشه ای از شهر سنجند در یکی از محلات شهر بچه های انقلابی و چپ در مخالفت با شاه و خمینی و مذهب و ناسیونالیسم، خیلی جدی و روشن در دفاع از مردم شهر و روستا، در مقابله با مالکان و اربابان خودشان را سازمان داده بودیم. در محله شورای خودمان را داشتیم، کتابخانه و بنکها و همه چیز. بیست نفر آدم که

کمونیستها همه ی آنهاهی که بیست و هشت مرداد 58 در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند؛ آن مقاومت را ساختند و سازمان دادند . اگر این افراد بیایند پشت قضیه ، می تواند ابعاد بسیار گسترده تری پیدا کند. و یکبار دیگر ، بویژه در اوضاع و احوال کنونی ، صف کمونیستی و کارگری جدی و رادیکال و سازمانده را جلو جامعه بگذارد. یک بار دیگر اعتماد به کمونیسم ، اعتماد به انقلاب کمونیستی ، به انقلابی که کارگران نیاز دارند ، به آزادی و برابری در جامعه را زنده بکنند. این نقطه شروع تصمیم گیری ما ، تصمیم رهبری حزب حکمتیست بود .

متأسفانه بخشی از کمونیستهایی که ما سراغ داشتیم و در این تاریخ سهم بودند، مانند کومله با ما نیامدند. و به همان اندازه که نیامدند خودشان ضرر کردند، مردم ضرر کردند . ولی حداقل این تلاش بسیار وسیعی که صورت گرفت و نتیجه اش را می بینیم ، این اندازه از توقعی که ما جلو گذاشته بودیم جواب داد. این اندازه کار ، این اندازه تلاش و این اندازه جواب گرفتن ، یک سنگر مهم برای کمونیستها و طبقه کارگر در ایران درست کرد. مهمترین دستاورد و مهمترین نکته ای که تمام کمونیستها به آن رسیده اند، تمام کارگران و تمامی شبکه های کارگری که شکل پیشبرد مبارزه در مقابل سرمایه داری و استبداد وحشی جمهوری اسلامی را جلوی خود قرار داده اند، این سنگری است که به آنها تعلق دارد. سنگری که با تلاش بسیار وسیع 420 کمونیست خارج از ایران ، اما متصل و اجتماعی با جامعه ایران و صدها کمونیست و فعال و کارگر در داخل شهرهای کردستان ممکن کرده اند و این سنگر را آنها درست کرده اند. این سنگر را ایجاد کرده اند که بتوانند روی آن پله بایستند و مبارزه شان را ادامه دهند. از این لحاظ ، میخواهم بگویم که ابعاد کاری که در بیست و هشت مرداد صورت گرفت و اعتصابی که انجام شد در زمینه های واقعی و نقشه مندی را پشت سر خود داشت که نتیجه اش این بود.

**بیست و هشت مرداد امسال را ما به بیست و هشت مرداد سی سال قبل وصل کردیم. بیست و هشت مرداد امسال دقیقاً به دلایلی که فواد در ابتدای جلسه گفت، مهم بود. جامعه خیلی متحول بود. جامعه یک مبارزه وسیع و توده ای را شروع کرد که پرچمش، پرچم جناحی از بخشی از سرمایه داران حاکم بود. ما همان موقع اعلام کردیم که این پرچم ما نیست. پرچم مردم نیست و ما نباید دنبال آن برویم. نباید گوشت دم توپ سرمایه دارانی بشویم که دارند با هم جنگ می کنند. برویم صف خود و مبارزه خود را تشکیل دهیم. در این اوضاع و احوال ما بیست و هشت مرداد امسال را به بیست و هشت مرداد سالی وصل کردیم که یک خصلت آن حمله خمینی و لشکری بود که به راه انداختند و در شهرهای کردستان کشتار و اعدام را شروع کردند . اما یک بخش مهمتر این بود که بعد از قیام 57، کمونیستها و انقلابیون که شش ماه دفاع از انقلاب و آزادی را پشت سر داشتند، تصمیم گرفتند که باید جلوی این حمله ایستاد و مبارزه را سازمان داد. این مردمی که نمایندگان خودشان را انتخاب کردند ، شورای خودشان را داشتند، کارگران هر ماه در شهرهای مختلف بوسیله تشکیلاتی که**

دفاع نکرند. سازمانهای بسیاری بودند که تلاش کردند مردم را بکشانند که از آنها دفاع کنند، حتی چپ‌هایی که دنبال سراب انقلاب بودند. در کردستان بودند این نوع چپ‌هایی که متأسفانه رفتند و کارگران دیگر را به فراخوان اعتصاب عمومی در آن مقطع و زیر رهبری موسوی ببرند. اما نگرفت. شخصیت‌های ناسیونالیست رفتند ولی نگرفت. جواب نگرفتند که بروند و از موسوی دفاع کنند. آن موقع حزب حکمتیست بدست به مردم گفت که نروند، دفاع نکنند، اعتصاب نکنند و دنبال آنها نروند. پایه‌های سیاسی که ناسیونالیست‌ها در ۲۸ مرداد امسال اتخاذ کردند، از آنجا شروع شد. آنها تلاش می‌کردند که مردم را دنبال پرچم سبز و در اتحادبا کروی - موسوی ببرند و به سهمی که در این میان خودشان می‌خواستند برسند و مردم را پشت سر خود بکشند. تلاش کردند به مردم بگویند بروند و با آن صف همراه شوند.

برای بیست و هشت مرداد که حزب حکمتیست فراخوان اعتصاب عمومی داد، چند روز پیشتر از آن، شخصیت‌های ناسیونالیست به مناسبت ۲۸ مرداد عزای عمومی در کردستان اعلام کردند. وقتی که حزب حکمتیست اعتصاب عمومی را فراخوان داد بتدریج جامعه با دو راه حل مواجه شد. همه دیگر می‌دانستند که کمونیست‌ها می‌گویند اعتصاب عمومی، و اقدام آنها ربط دارد به مبارزه‌ای که از سه دهه قبل شروع شده است و باید آن را ادامه داد. بویژه در شرایط امروز ایران و جنبش سبز که طبقه کارگر و کمونیست‌ها باید بروند و مبارزه مستقل خود را شروع کنند و مردم را متوجه سازند که کدام صف را انتخاب کنند. در چنین وضعیتی اعلام عزای عمومی به مناسبت سی امین سال ۲۸ مرداد، ادامه همان پرچم سبز بود. آنها به مردم می‌گفتند دو دقیقه سکوت کنند، که بعدها شخصیت‌ها و فعالین ناسیونالیست کرد حتی به آن می‌خندیدند. و متوجه شدند که این راه حل ما حتی برای آنها هم بهتر است. این نوعی از مبارزه است. این فعالیت و مقاومت در خود دارد. و خیلی‌ها متوجه شدند که فضای جامعه دارد به اعتصاب عمومی سیر میکند و به راه حل اعتصاب عمومی و گرمی‌داشتن یاد جانباختگان می‌رود و این موقعی است که بنظر من فضا عوض شده است. حتی فضای ناسیونالیسم عوض شده است. حالا در فراخوان‌هایی که در رادیو و تلویزیون‌هایشان هنگام پخش خبر اعتصاب عمومی می‌دهند، بدون آنکه اشاره‌ای به حزب حکمتیست کنند، می‌رسانند که آنها هم فراخوان اعتصاب به مردم داده بودند! این ادامه همان راه حلی است که ادعا می‌کنند کمونیست‌ها نیستند، حکمتیست‌ها نیستند. ده پانزده سال است این ادعا را دارند، ادعایی که همیشه ناسیونالیسم کرد و احزابش در مقابل کومله کمونیست قرار میدادند، از همان موقعی که صف قابل ملاحظه‌ای از کمونیست‌ها در کردستان که در کومله همراه ما بودند و به صف ناسیونالیست‌ها پیوستند. همانهایی که در مباحثات همیشگی با ناسیونالیسم کرد بودند و رابطه‌شان با آنها خیلی بیشتر از رابطه با کمونیست‌ها بود، درست مانند الان که ادعا می‌کنند کمونیست‌ها نیستند. به همین دلیل هم هست که وقتی خبر اعتصاب را می‌شنوند و نمی‌توانند اعلام کنند که کمونیست‌ها هستند.

هستند. خیلی از ناسیونالیست‌ها و چپ‌های ناسیونالیست این را دارند به ما می‌گویند، اما این بار هم کمونیسم نشان داد جامعه خیلی به ما مرتبط است. به عمق جامعه ارتباط دارد به عمق جامعه‌ای که آزادی و برابری می‌خواهد. به کارگران جسور و قهرمانی که در شهرهای مختلف در روز روشن می‌رفتند و پوستر اعتصاب عمومی را روی در و دیوار و خیابانها و پیاده‌روها می‌زدند. شبکه‌هایی که خانه به خانه، کارگاه به کارگاه، اداره به اداره، محله به محله و فرد به فرد خبر این اعتصاب را می‌رسانند. ما جامعه را به این لحاظ تکان دادیم. گفتیم که بطور واقعی بخش زیادی موانعی که جلویشان بود، نگذاشت به اعتصاب بپیوندند و الا این اعتصاب در ابعاد وسیعی جواب می‌گرفت.

**افراد زیادی بودند که به سیاست ما و به تصمیم ما به کارهایی که می‌کردیم تا آخرین روز با تردید نگاه می‌کردند. اما واقعی بودن این سیاست درست بودن این تصمیم و تلاش سخت و نتیجه‌ای که دیدیم این را به هم چفت کرد و نشان داد که جامعه کردستان ما به نیاز دارد، چیزی که سالها است ناسیونالیست‌ها و چپ‌های زیادی به ما می‌گویند ما هیچی نیستیم، میگویند اینها ربطی ندارند، اینها پا در هوا هستند. خیلی از ناسیونالیست‌ها و چپ‌های ناسیونالیست این را دارند به ما می‌گویند، اما این بار هم کمونیسم نشان داد جامعه خیلی به ما مرتبط است. به عمق جامعه ارتباط دارد به عمق جامعه‌ای که آزادی و برابری می‌خواهد. به کارگران جسور و قهرمانی که در شهرهای مختلف در روز روشن می‌رفتند و پوستر اعتصاب عمومی را روی در و دیوار و خیابانها و پیاده‌روها می‌زدند. شبکه‌هایی که خانه به خانه، کارگاه به کارگاه، اداره به اداره، محله به محله و فرد به فرد خبر این اعتصاب را می‌رسانند. ما جامعه را به این لحاظ تکان دادیم**

از این لحاظ الان دیگر فکر نمی‌کنم کسی بگوید که حزب حکمتیست چیزی نیست. حداقلش این است که سکوت می‌کنند و چیزی نمی‌گویند. الان هم سکوت کرده‌اند. اما واقعیت این است که حزب حکمتیست رفت و میخ آزادی و برابری را عمیقتر در جامعه کوبید. این میخی که مال کارگران و کمونیست‌ها است. باید از آن برای نبردهایمان استفاده کنیم. در دوره گذشته قبل از بیست و هشت مرداد، یک تقابل جدی با رژیم در جامعه از یک طرف و از طرف دیگر رهبری‌ای که بوجود آمده بود، درست شد. بعد از مسأله به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری خیلی‌ها دنبال صف موسوی و ... رفتند. کردستان متفاوت بود و همه این را می‌دانستند و رادیکالیسمی که با وجود نفوذ چپ و کمونیسم هست و شناخت واقعی و طبیعی که مردم خودشان از سی سال قبل تجربه کرده‌اند وجود دارد. از بیست و هشت مرداد ۵۸ و حتی شش ماه قبل از آن در حمله جمهوری اسلامی به سنج (جنگ پادگان) و جنگی که پادگان علی‌به مردم شروع کرد از همان موقع این آگاهی و شناخت از این رژیم وجود دارد. مردم می‌شناسند و می‌دانند، شخصیت‌ها را می‌شناسند که هر کدام چه نقشی در فلاتک و سرکوب این جامعه داشتند، می‌دانند که اینها راه حلی برای جامعه نیستند. مردم در کردستان از جنبش سبز

بلکه بخشی از چپ یک بار دیگر رفتند دنبال آنها. دوباره ادامه همان ۲۸ مرداد پنجاه و هشت، و سالهای بعد دنباله دفاع از خاتمی و ... این اتفاقاتی است که در این مقطع هم افتاد و تصمیمی که در مورد بیست و هشت مرداد گرفته شد و نتیجه‌ای که داد این واقعیت‌ها را بهم نزدیک کرد که این جامعه بشدت به کمونیست‌ها هایش نیاز دارد، بشدت نیاز دارد به صف جدی و مصمم کارگران به شبکه و سازمانی که باید داشته باشند، به حق طلبی آنها و آزادیخواهی آنها نیاز دارد. این آزادی را بگیرند به شیوه‌ای که خودشان می‌خواهند نه انطوری که خاتمی و موسوی و دنباله‌روانشان می‌خواستند، اصلاح اسلام و سرمایه‌داری برای کارگران یا چیزی که الان موسوی و کروی می‌خواهند. راه ما همیشه از آنها جدا بوده است و هیچوقت نخواستیم ایم و بر عکس تلاش کرده ایم که این صف خودآگاهی طبقه کارگر و کمونیست‌ها ایجاد شود. خودآگاهی کارگری و کمونیستی در میان کارگران شرط لازم این است که متوجه شویم دنیا چه خبر است و منفعت ما کجاست. این را ما ایجاد کرده ایم. نه تنها از این لحاظ که تلاش می‌کردیم این خطر را بوجود بیاوریم و زور می‌زدیم که در جامعه شناخته شود، بلکه بیست و هشت مرداد این را عملاً نشان داد. نشان داد که عملی کردن این سیاست‌ها و خط ما ممکن است. اتفاقی که افتاد قدرت کارگران را بیشتر کرد، اعتماد بنفس آنها را بالا برد کمونیست‌ها را در جامعه یک قدم جلوتر برد، آنها را به اجتماع نزدیکتر کرد. همه‌ی کمونیست‌هایی که در یک ماه گذشته تلاش کردند، اگر سراغ تک‌تک آنها برویم می‌گویند به اندازه دو سه سال و بعضاً بیشتر با مردم و با کارگران در تماس بوده‌اند. همه‌ی اینها نشان داد که اگر تصمیم درستی بگیریم، اگر اراده کنیم. اگر روشن باشیم در اینکه نمایندگی کارگر و کمونیست به چه شکلی ممکن است، می‌توانیم تمام انرژی را در آن جهت بکار گیریم.

بخش زیادی از کسانی که ما نمی‌شناختیم در بیرون و در شهرهای مختلف در کردستان آمدند و به فراخوان ما جواب دادند. این واقعیتی را به ما نشان داد و یک تکان جدی بود برای اینکه جامعه به این نوع از سیاست احتیاج دارد. به این نوع از کمونیست‌ها و دخالتگریشان احتیاج دارد. کمونیست‌های زیادی هستند که انتظار می‌کشند، منتظر روزی هستند که بیاید و آنها تصمیم بگیرند تا به انجام کاری فراخوان بدهند. به نظر من این برای بسیاری از کمونیست‌ها و نوع دخالتگریشان، برای همیشه روز وداع با انتظار بود. مطلقاً ما اهل انتظار نیستیم. باید برویم و بسازیم، باید برویم درست بکنیم، باید برویم و آن را ایجاد بکنیم. جامعه به کمونیسم نیاز دارد. همیشه نیاز داشته است. حزب حکمتیست رفت و این را ممکن کرد. افراد زیادی بودند که به سیاست ما و به تصمیم ما به کارهایی که می‌کردیم تا آخرین روز با تردید نگاه می‌کردند. اما واقعی بودن این سیاست درست بودن این تصمیم و تلاش سخت و نتیجه‌ای که دیدیم این را به هم چفت کرد و نشان داد که جامعه کردستان به ما نیاز دارد، چیزی که سالها است ناسیونالیست‌ها و چپ‌های زیادی به ما می‌گویند ما هیچی نیستیم، میگویند اینها ربطی ندارند، اینها پا در هوا



نوع کارها را باید در دستور کار جامعه بگذارد. این سنگری است که می تواند شدیداً کمک کند به این که راه را نشان دهد. نشان داد که این الگویی است در مقابل راه حلی که علیه کارگران و علیه کمونیست ها قرار می دهند، که باید انتخاب کنند.

در پاسخ به این سوال که چرا ما سراغ حزب دمکرات برای شرکت در این اعتصاب نرفتیم و سراغ کومه له رفتیم بگویم که

این اصلاً مسأله ما نبود، تمام مسأله ما این بود که یک صف کمونیستی، صف کارگران، صف

متحدی برای چپ را تشکیل دهیم در در مقابل طبقه ای و صفی که از جمله حزب دمکرات آن

را نمایندگی می کند. کار ما از این لحاظ خیلی مشکل است. احزاب بورژوازی همیشه فراخوان

می دهند و متأسفانه تعدادی از کارگران با فراخوان آنها می روند. ما از این لحاظ خیلی

مطمئن بودیم به فراخوانی که کمونیست ها می دهند تاجران و بازرگانها و سرمایه دارها با ما

نمی آیند. آن را دوست ندارند و تا آخرین لحظه هم در اطلاعیه هایشان می گفتند که نباید کاری

کرد و فقط باید "گرامیاداشت" و این یعنی اینکه به هیچ کاری دست نزنید، این خط قرمز آنهاست

که نباید به کمونیست ها جواب بدهند. بنظر من از این لحاظ برای ما خیلی روشن بود که این

کار ما نیست. ما تلاش کردیم که هر چه کمونیست در جامعه است که بخش زیادی از

آنها در کومه هستند را برای این کار متحد کنیم. نه حتی در درجه اول با دادن اطلاعیه از طرف

احزاب، و گزینه اول ما این بود که سراغ شخصیت ها برویم. شخصیت هایی که در این

دوسازمان است و این فراخوان را بدهند و به این کمک کند که این صف کمونیستی و این

صف طبقاتی را تقویت کنند. بهر حال این کار و هدف ما نبود که سراغ حزب دمکرات برویم

مطلقاً هیچ توهمی از این لحاظ نداشتیم و ما میدانیم که اتفاقاً آنها همیشه نیرویشان را برای

رسیدن به اهدافی که دارند از طبقه ما میگیرند. لشکری که همیشه دنبال بورژوازی می افتد و از

حزب دمکرات تا موسوی دفاع می کنند بخش قابل توجهش نیروی طبقه ماست. این را باید از

چنگ آنها بیرون آورد. این تلاشی در این زمینه بود و بنظر من بنی صدر خیلی دقیق گفته است

که آنموقع کومه (کمونیستها) مانع شدند. الان هم صف ما همان صفی است که بنی صدر می

گوید. کمونیستها باید مانع شوند که بورژواها سوار کرده طبقه کارگر شوند و آنها به جنگ

خودشان ببرند.

از این لحاظ این کار ما نیست که سراغ طبقاتی برویم که همیشه علیه ما هستند. اینها در این سی

سال گذشته همیشه دنبال راه حل ساخت و پاخت با یک بخش از سرمایه داری و یک بخش از

رژیم که در قدرت است بوده اند که با آنها بسازند و مسأله شان را حل کنند و به قدرت برسند الان هم همینطور است.

در آن صورت به نظر من کمک بسیار جدی تر می کرد و تلاشمان بیشتر به ثمر می رسید. یک صف کمونیستی کارگری و چپ را جدا کردیم در

جامعه و نشان دادیم که در مقابل احزاب در مقابل عزاداری برای بیست و هشت مرداد در

مقابل پرچم سبز در مقابل فراخوان هایی که همه اش دارد به جیب جمهوری اسلامی می رود.

تلاش ما این بود که این پرچم و این صف را درست بکنیم. ما تنها ماندیم اما جامعه به ما

جواب داد. جامعه به ما جواب داد و این سنگر را درست کردیم.

یک نکته را در پایان اشاره بکنم و آن اینکه در یک ماه گذشته و همزمان با فعالیتهای ما در

مورد اعتصاب 28 مرداد بار ها گفته شد و آن اینکه وقتی مسأله کردستان پیش می آید،

بلافاصله خیلی ها یاد کرد/بیتی می افتند. یاد ناسیونالیسم می افتند. یاد ربط دادن کردستان به

کردها و ناسیونالیسم می افتند. من خیلی روشن در صحبتهای اولیه ام گفتم که منصور حکمت به

عنوان متفکر بزرگ مارکسیست و کسی که کمونیسم کارگری و مارکسیسم را از زیر آوار

در آورد و در بطن جامعه گذاشت، از همان روز اول می دانست که این سنگر، سنگر دفاع از

آزادی و برابری و کمونیسم است. و کسی که این را نمی فهمد و خودش را کمونیست هم می نامد،

کسانی بودند که دنباله رو جنبش سبزها و ناسیونالیست ها هستند. اتفاقاً اگر کمونیستی در

این جامعه متوجه این انترناسیونالیست پرولتری نباشد دیگر باید فاتحه اش را خودش بخواند. باید

واقعاً یکبار دیگر تاریخ را برایشان خواند. حداقل ما زنده ایم. صدها رهبر آن سازمان دادن قیام و

درست کردن سازمان های کمونیستی و جنگ و مبارزه توده ای اول مه ها و مبارزه زنان و

برابری طلبی در این جامعه زنده اند. جامعه کردستان این بود. این کمونیستها هزار هزار

برابری بزرگ شده اند کمونیست شدند به معنای واقعی از پوپولیسمی که داشتند از ناروشنی و

التقاطی که در مارکسیسم شان وجود داشت از همه ی اینها دست کشیدند. این سنگری که دفاع

از کمونیسم را برای کمونیستها ممکن و ضروری ساخت، در مقابل رژیم بورژوا -

امپریالیستی و جناحهای مختلفش ایستادند. در مقابل آن حکومت تازه بقدرت رسیده ایستادند. در

مقابل بورژوازی که در محل بود و ناسیونالیسم سنگرش بود، نه گفت. آن موقع کمونیسم و

مارکسیسم و انقلابیگری موجود در جامعه این بود. آنها بورژواهای محلی و بورژواهای

سراسری را می شناختند میدانستند به کل امپریالیسم وصل اند. به نظر من کسانی که

متوجه نیستند که کردستان بعد از سی سال، خیلی جدیدتر یکی از سنگرها و یکی از جبهه های نبرد

کمونیست هاست باید بروند و فکری به حال خود بکنند. حداقل ما نشان دادیم نه از لحاظ نظری از

لحاظ عملی و اجتماعی هم نشان دادیم که این ممکن است. درست کردن این صف و درست

کردن این سنگرها، ساختن سنگرهای بعدی و گسترش این جبهه ی کارگران با صف مستقل و

برهبری کمونیست ها ممکن است. و بیست و هشت مرداد حداقل از این نظر با هر ابعادی که

داشت این میخ را در جامعه کوید و مسأله بعدی این است که این را باید متوجه شد و کل طبقه کارگر ایران این را باید متوجه شود که از این

ادعا می کنند که ما جامعه کردستان را نمی شناسیم و نمی دانیم این چه جامعه ای است، واقعیت جامعه کردستان را تشخیص نمی دهیم! با

پیوستن بخشی از صف چپ و کمونیست های آن موقع کومه له به ناسیونالیسم که الان فرق زیادی با

هم ندارند صف آنها تقویت شد. اما الان که نگاه می کنیم و نه تنها ما که از کمونیسم دفاع می

کردیم، بلکه جامعه که دارد نگاه می کند، می دانند که کمونیست ها هستند، حکمتیست ها هستند

و کارگران و شبکه هایشان هستند و ما که آن موقع می گفتیم که کمونیسم یک موجودیت انکار

ناپذیر اجتماعی در کردستان است. نفوذ ناسیونالیستها و حضور قوی جنبششان و

سرازیری بخش قابل توجهی از کومه له به این جنبش، این را عقب زد. کمونیسم الان دارد آن

موقعیت را دوباره پیدا می کند. این موقعیت همیشه بوده است اما پرچمش دیده نمی شد،

سازمانش دیده نمی شد. الان هم سازمانش زیاد نیست اما این کار و این فعالیت در سطح وسیعی

توانست و می تواند که کمونیست ها را دوباره در سطحی سیاسی و اجتماعی و همچنین

سازمانی در جامعه مطرح کند. تمام کارگرانی که در 28 مرداد آمدند، تمام انقلابیون، تمام

کمونیست هایی که در شهرهای مختلف آمدند و فضای انقلابی و اعتصاب عمومی بیست و هشت

مرداد را ممکن کردند، الان بیست برابر ما هستند. بیست برابر حزب حکمتیست اند، بیست

برابر آن چهارصد و بیست نفراند که رفتند و فراخوان به اعتصاب عمومی دادند. دور و

براینها شبکه هایی از مبارزین، شبکه هایی از کارگران، شبکه هایی از کسانی که امر پیش

بردن جامعه و آزادی و برابری امر آنهاست. سوسیالیست ها و کمونیستهایی که در جامعه

کردستان هستند امرشان است که این پرچم را تا این اندازه که جلو برده ایم، در ابعاد بسیار

بزرگی پیش ببریم. از این لحاظ فکر می کنم در سهوا و تجاری که این مبارزه داشته باشد،

مهمترین اش این است که طبقه کارگر و صف خودآگاه کارگران کمونیست در کردستان نشان

دادند که می توانند و باید خودشان را متحد بکنند، خودشان را مستقل بکنند و یک سنگر محکم و

جدی برای طبقه کارگر در ایران درست کنند. یکبار دیگر کردستان یکی از جبهه های نبرد

اصلی کمونیستهاست که همانطور که ما تا هم اکنون در آن مبارزه کرده ایم را داشته باشیم.

این سنگر در درجه اول نه به وسیله حزب حکمتیست که حتی مانند حزب کمتر شناخته شده

است بلکه به وسیله رهبران و شخصیت ها و همه کادرها و فعالینش که در کردستان دارد و

همانطور که کورش مدرسی می گوید یک پایه مهم حزب حکمتیست شخصیت های آن است.

ممکن شده است. شخصیت های پر نفوذ، رهبران و دست اندرکاران این مبارزه سی ساله

در جامعه کردستان. اینها وقتی فراخوان دادند به جامعه در درجه اول فراخوان اینها رفت و

ارتباطشان با جامعه، روزی که در رهبری حزب حکمتیست تصمیم به این کار گرفته شد، تلاش

کردیم همانطور که گفتیم قرار شد برویم سراغ کمونیست های دیگری که در آن جامعه هستند.

در کومه آن را سراغ گرفتیم که نیامدند. ما همان موقع گفتیم که می توان این چهارصد و بیست نفر هشتصد نفر باشند. می توانست هزار نفر باشد که

## خاطره ای کوتاه از عملیات گارد آزادی در ۲۳ مرداد در جاده مریوان - سنندج

### کیوان از اعضای واحد عملیاتی گارد آزادی

روز جمعه ۲۳ مرداد ماه سال جاری ما به عنوان یکی از واحدهای مسلح گارد آزادی به فرماندهی کمال رضایی ماموریت داشتیم به مناسبت اعتصاب عمومی ۲۸ مرداد، جاده مریوان - سنندج را در شهرک جوجه سازی برای مدتی به کنترل خود درآورده و با مردم و مسافران عبوری به گفتگو پرداخته و پوستروتراکتهای حزب در رابطه با اعتصاب را به صورت گسترده در بین مردم توزیع کنیم.

با غروب آفتاب به طرف چهارراه شهرک به راه افتادیم و در طی مسیر از کوچه ای نسبتاً طولانی عبور کردیم از ابتدای کوچه تا سر جاده حدود ۱۰ دقیقه طول میکشد. کوچه شلوغ بود و تعداد زیادی از مردم اعم از پیر و جوان بیرون از خانه هایشان و در کوچه بودند، به تک تک نفرات اطلاعاتی

و تراکت دادیم و با آنان مشغول گفتگو شدیم، علت حضور واحد گارد و فراخوان حزب مبنی بر اعتصاب عمومی در ۲۸ مرداد را برای آنان تشریح میکردیم که با استقبال آنان و اعلام آمادگی برای مشارکت در اعتصاب همراه بود. مردم با دیدن ما که به طرف جاده میرفتیم به دنبال ما راه افتادند و به انحا گوناگون خوشحالی و مسرت خود را از حضور گارد در محل زندگیشان ابراز میکردند. با رسیدن به جاده اصلی مریوان سنندج اتومبیلهای عبوری را متوقف کرده و از رفت و آمد ماشینها جلوگیری کردیم، با آگاهی مردم از هویت ما و با سابقه ای که از عملیات گارد آزادی در این منطقه داشتند، رانندگان و مسافری از ماشینها پیاده شده و دور ما حلقه زدند، چندین نفر از آشنایان و دوستانی که مرا میشناختند به سویم آمدند و در پیش تراکتها کمک کردند، مردم محل برایمان آب آوردند. اخبار منطقه لحظه به لحظه از طرف مردم به اطلاع ما و سایر رفقا به ما میرسید. در همین اثنا یکی از رانندگان که پسریکی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران بود از ماشین پیاده شد و به سوی من آمد وقتی نزدیک شد با خنده گفت: "من ترا میشناسم" در جواب گفتم من هم تو و پدرت را میشناسم، وی پس از شنیدن صحبت من بلافاصله به داخل اتومبیلش برگشت و تا پایان عملیات ما دیگر از ماشینش پیاده نشد. با ازدحام ماشینها و بسته شدن جاده گشت پلیس

راهنمایی و رانندگی به منطقه عملیات وارد شد و از راننده ها دلیل بسته شدن جاده را سوال میکردند که آنها هم گفتند جاده تحت کنترل گارد آزادی است و آنها هم با وجود این که مسلح بودند از ماشین پیاده نشدند و تا پایان ماموریت ما در انتظار ماندند.

با نزدیک شدن عملیات کنترل جاده به مراحل پایانی و در حالی که واحد ما قصد ترک محل را داشت. اخبار تجمع و حرکت نیروهای سپاه برای وارد شدن به صحنه عملیات به ما رسید، واحد ما نیز پس از اتمام کار و بدون اینکه وقوع هر گونه درگیری را ممکن کنیم محل را ترک کردیم. اساساً از بدو تشکیل گارد آزادی همواره ورود و خروج ما دشمن را گیج و سردرگم کرده است. این خصیصه اصلی و دائمی گارد آزادی بوده و هست و در تمامی عملیاتی که تاکنون در شهرهای کردستان داشته ایم توانسته ایم نیروهای دشمن را از ضربه زدن به واحدهای مسلح گارد ناکام کنیم و همین امر سبب افزایش قدرت و توان واحدهای گارد آزادی شده است.

در پایان به سهم خود مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را از مردم و اهالی منطقه و سایر اعضای واحد فوق اعلام کرده و جوانان مبارز و آزادیخواه کردستان را به پیوستن به گارد آزادی فرامیخوانم.

در بخش تراکتها کمک کردند، مردم محل برایمان آب آوردند. اخبار منطقه لحظه به لحظه از طرف مردم به اطلاع ما و سایر رفقا به ما میرسید. در همین اثنا یکی از رانندگان که پسریکی از اعضای اطلاعات سپاه پاسداران بود از ماشین پیاده شد و به سوی من آمد وقتی نزدیک شد با خنده گفت: "من ترا میشناسم" در جواب گفتم من هم تو و پدرت را میشناسم، وی پس از شنیدن صحبت من بلافاصله به داخل اتومبیلش برگشت و تا پایان عملیات ما دیگر از ماشینش پیاده نشد. با ازدحام ماشینها و بسته شدن جاده گشت پلیس

## کارگران فصلی شهرداری سنندج در آستانه اخراج

سنندج انتقال داده شدند اما متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده هر دو نفر جان خود را از دست دادند.

بعد از ظهر روز چهارشنبه، جنازه این دو کارگر در میان جمعی بیش از هزار نفر از اهالی سنندج، کامیاران، دولا و روستاهای اطراف باغم و آندوه به خاک سپرده شدند.

لازم به ذکر است که ناصر قادری بیش از 10 سال در سد گاوشان، سد سیاه زاغ و سد دولا و مشغول به کار بوده و یکی از فعالین کارگری بود که در اعتراضات سد گاوشان و سیاه زاغ نقش فعالی داشت.

قصد دارند تا کارگران دیگری با دستمزد پائین تر و بدون برخورداری از مزایای بیمه درمانی و بیکاری استخدام کنند.

### جان باختن دو کارگر سد "گاوشان سنندج"

روز چهارشنبه مورخ چهارم شهریور ماه 88، بر اثر واژگون شدن ماشین حامل کارگران سد "گاوشان سنندج" در جاده تونل دولا دو تن از کارگران با نامهای خالد کرمی اهل روستای طائینه و ناصر قادری اهل روستای هواس آباد به شدت زخمی شدند.

بعد از سانحه تصادف، نامبردگان به بیمارستان

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در پی واگذاری امتیاز اداره تعدادی از پارک های شهر سنندج به بخش خصوصی کارگران فصلی مشغول به کار در آنها در آستانه اخراج قرار گرفته اند.

در پی تصمیم شهرداری منطقه 3 سنندج جهت واگذاری اداره پارک های ملت، جهاد، دیدگاه، صبا، شادی، استاندارد و دانشجو به بخش خصوصی 65 کارگر شاغل در این پارک ها که 6 ماه در سال به کار مشغول هستند در آستانه اخراج و بیکاری قرار دارند.

بر پایه این گزارش در پی واگذاری اداره این پارک ها به بخش خصوصی، کارفرمایان جدید



## آکسیونهای اعتراضی در حمایت از اعتصاب عمومی کردستان در خارج کشور

انگلستان-لندن

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۸-۱۹ اوت ۲۰۰۹ در لندن به فراخوان تشکیلات بریتانیا حزب حکمتیست دهها نفر، در مقابل دفتر تلویزیون بی بی سی تجمع کردند. این اکسیون در همبستگی با مردم کردستان و علیه لشکر کشتی و جنایات جمهوری اسلامی در سی سال قبل بود.

**سوند: استکهلم**

روز چهارشنبه ۲۸ مرداد به دعوت تشکیلات استکهلم حزب حکمتیست مراسمی در میدان مرکزی شهر برگزار شد و جمعیت قابل توجهی جمع شدند. در شروع مراسم آرزو محمدی کادر حزب حکمتیست ضمن خوش آمد گویی به حاضرین اعلام برنامه کرد. بدنبال رحمان حسین زاده، رسول بناوند و مصطفی اسد پوراز کمیته مرکزی حزب به ترتیب به زبانهای فارسی، کردی و سوئدی در مورد ۲۸ مرداد و اهمیت اعتصاب عمومی مردم کردستان، اوضاع حساس سیاسی ایران و اهمیت شکل دادن به صف مستقل آزادیخواهی در این جامعه و در مقابل کل جمهوری اسلامی سخنرانی کردند.

**کانادا: تورنتو:** روز یکشنبه ۲۵ مرداد - ۱۶ اوت ۲۰۰۹ مراسم با شکوهی در شهر تورنتو به دعوت شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران برگزار شد که رفقای تشکیلات ما در آن شرکت کردند. از جمله سخنرانان این مراسم رفیق صلاح ایراندوست از کمیتههای شناخته شده جامعه کردستان و از سازماندنگان مقاومت علیه یورش جمهوری اسلامی به کردستان در ۲۸ مرداد بود. رفیق صلاح در این مراسم مورد اهمیت اعتصاب عمومی کردستان، اهمیت تلاش برای موفقیت آن و همچنین نکات مهمی در مورد حمله جمهوری اسلامی به مردم کردستان و خاطرات زنده خود از آن وقایع و نقشی که زنان در آن مقاومت ایفا کردند پرداخت.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست از همه مردم، آزادیخواهان و کمونیستهایی که در حمایت از اعتصاب عمومی در کردستان، در آکسیونها و پیکت های اعتراضی و سایر برنامه هایی ما در خارج کشور شرکت کردند تشکر و قدردانی میکند.

نابود باد جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد حکومت کارگری  
تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست  
۲۱ اوت ۲۰۰۹

زبان، عربی زبان و انگلیسی زبان این ارگان را به مصاحبه با شخصیت های حزب حکمتیست از جمله رفقا سعید آرمان و هلاله طاهری از اعضا کمیته مرکزی حزب حکمتیست کشاند. این رفقا در دفاع از مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان که همیشه جزء جدانشدنی مبارزه سراسری در ایران برای رهائی از جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری بوده و هست و همچنین علیه میلتاریزه کردن فضای کردستان در سی سال گذشته تا الان، مصاحبه و سخنرانی کردند. همچنین تلویزیون پرتو با حضور فعال خود کل تظاهرات را پوشش داد و با تعداد زیادی از شرکت کنندگان و شخصیت های سیاسی حاضر در تظاهرات مصاحبه کرد. این تظاهرات بعد از دو ساعت به پایان رسید.

**سوند: گوتنبرگ**

تشکیلات حزب در شهر گوتنبرگ سوئد همراه همصدا با اعتصاب عمومی کارگران و مردم در کردستان روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۱۹ اوت ۲۰۰۹ در مرکز شهر گوتنبرگ اکسیون اعتراضی پر شوری را با شرکت جمعی قابل توجه از مردم مبارز مقیم این شهر پیش بردند. در ابتدا رفیق ابوبکر شریف زاده مجری برنامه ضمن خوش آمد گویی و تشکر از شرکت کنندگان برای حضور در این تجمع برنامه مراسم را به اطلاع حاضرین رساند.

سخنرانان به ترتیب علی عبدالی و سلام زیجی از کمیته مرکزی حزب حکمتیست بزبانهای سوئدی و فارسی، مینا رسول نژاد سخنگوی مادران گوتنبرگ بزبان فارسی، علی آینه از طرف کانون نوسندگان ایران در تبعید بزبان فارسی و آمر علی از طرف حزب عدالتخواه سوئد بزبان سوئدی از زوایای مختلف در مورد ۲۸ مرداد اهمیت اعتصاب عمومی در کردستان، جنایات سی سال گذشته جمهوری اسلامی در کل ایران و فرمان حمله به کردستان صحبت کردند و یاد کل جان باختگان ۲۸ مرداد را گرامی داشتند.

در این مراسم اطلاعیه حزب حکمتیست به زبانهای فارسی و سوئدی وسیعا پخش شد و مرتب شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی برابری، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، و... سرداده شد و توجه هزاران عابر و بیننده را به خود جلب کرد. در این اکسیون ده ها

بعد از فراخوان اعتصاب عمومی به مناسبت ۲۸ مرداد سی امین سالگر حمله به کردستان و در دفاع از آزادی و برابری و علیه کلیت جمهوری اسلامی، تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست فعالیتهای متنوعی را در کشورهای مختلف از انگلستان، سوئد، آلمان، کانادا، نروژ و ... در دستور کار گذاشت. این فعالیتهای از اکسیونهای اعتراضی، تا جلسات بحث و خبر رسانی و کار میدایی و فعالیتهای مختلف تبلیغی را شامل میشود. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست به همت کادرها و فعالین این حزب و طیفی از انقلابیون و مبارزین مدافع آزادی و برابری توانست توجه بخشی از ایرانیان خارج کشور و مدیا و مردم متمدن در کشورهای مختلف را به اعتصاب عمومی در کردستان و علیه کلیت جمهوری اسلامی با سیاه و سبز آن، جلب کند. اینجا گوشه گزارش خلاصه ای از آکسیونهای حزب حکمتیست و فعالین کمونیست در خارج کشور را به اطلاع عموم میرسانیم.

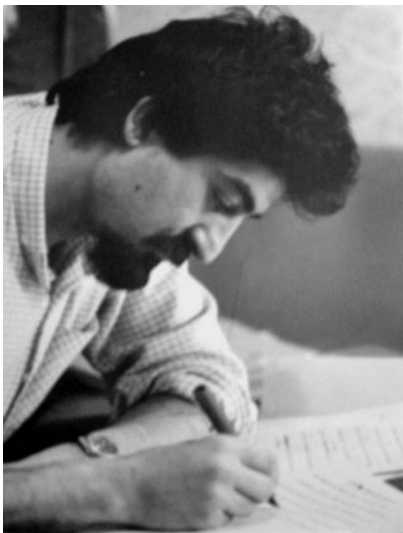
**آلمان- کلمن**

روز جمعه ۱۴ آگوست ۲۰۰۹ فعالین حزب حکمتیست در مقابل دفتر مرکزی رادیو دویچه وله در شهر بن جمع شدند. در ابتدا ملاقات کوتاهی با رئیس بخش فارسی رادیو به منظور توضیح هدف اکسیون انجام شد. در ضمن اطلاعیه آلمانی اکسیون و لیست حمایتی کمونیستها و آزادیخواهان از فراخوان اعتصاب عمومی تحویل ایشان داده شد. در طول اکسیون بارها متن آلمانی اطلاعیه در محکومیت کشتار مردم کردستان از بلندگو خوانده شد و شعارهایی بر علیه جمهوری اسلامی داده شد. از جمله شعارها مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری، زندانیان سیاسی آزاد باید گردند، مرگ بر رژیم ضد زن و ... بود. در حین اکسیون خبرنگار بخش فارسی رادیو دویچه وله علاوه بر تهیه گزارش تصویری و صوتی از اکسیون، مصاحبه حضوری با همایون گدازگر، دبیر تشکیلات آلمان، محمد راستی عضو کمیته کردستان حزب حکمتیست و جمشید اساسی از فعالین حزب انجام داد. در این مصاحبه در مورد جنایات سی ساله جمهوری اسلامی در ایران و قتل عامهای دسته جمعی از مردم کردستان و دست داشتن تمام جناحهای جمهوری اسلامی در این جنایات گزارش شد. همزمان با این اکسیون همایون گدازگر با تماس تلفنی با بخش فارسی رادیو اسرائیل گزارش مفصلی از این اکسیون را به اطلاع رساند.

# زنده باد سوسیالیسم

## کارگران و انقلاب

منصور حکمت



کارگر نشان میدهد. برای حفظ این جامعه وارونه دولت ها پیدا شده اند، ارتشها ایجاد شده اند، زندانها و شکنجه گاهها بنا شده اند، خدایان آفریده شده اند و مذاهب ساخته شده اند. مساله از روز روشن تر است. این جامعه مبتنی بر بردگی است. بردگی مزدی. هیچ درجه رشد خدمات اجتماعی و بیمه ها و افزایش درآمد کارگران که تازه همه باید با نبرد و با زور از حلقوم طبقات حاکم بیرون کشیده شوند، در اساس این موقعیت برده وار کارگر تغییری نمیدهد. کودکی که امروز در میان ما متولد میشود مهر استخدام سرمایه شدن را بر پیشانی خود دارد. کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند. جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است. بنیاد این نظام مالکیت خصوصی اقلیتی کوچک بر وسائل تولید در جامعه است. مادام که انسانها برای نان خوردن و برای برخورداری شدن از حداقلی از رفاه ناگزیرند برای کس دیگری کار کنند که اختیار وسائل تولید را در دست گرفته است، مادام که تولید اجتماعی و تامین مایحتاج بشر تنها از طریق سود رسانی به مالکان انگل وسائل تولید ممکن است، صحبتی از آزادی و برابری انسانها و از میان بردن محرومیت ها و تبعیضات نمیتواند در میان باشد. انقلاب کارگری در اساس خود انقلابی علیه مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار بر وسائل تولید اجتماعی است. انقلاب کارگری انقلابی برای برقراری مالکیت و کنترل اشتراکی و دسته جمعی تولید کنندگان بر وسائل کار و تولید است. انقلاب کارگری انقلابی برای محو طبقات و استثمار طبقاتی است. بورژوازی به زبان خوش دست از قدرت اش بر نمیدارد و بساط استثمارش را جمع نمیکند. پس باید انقلاب کرد، حکومتی کارگری برقرار ساخت که مقاومت استثمارگران را در هم میکشد و راه را برای جامعه ای بدون استثمار و لاجرم بدون نیاز به هیچ نوع حکومت و ستم و خرافه باز میکند. برای کارگر کمونیست انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن تمام این تحول عظیم اجتماعی. مبارزه برای آزادی، برابری و حکومت کارگری. اگر کارگر به میدان سیاست میاید باید برای این بیاید. باید بعنوان رهبر رهائی کل جامعه به میدان بیاید. دوران کشیده شدن کارگران بدنبال این و آن بسر رسیده است. جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر هدف خود را این قرار داده است که کارگران را به این دورنما مجهز کند و حرکت مستقل کارگران برای کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب کارگری را سازمان بدهد. اگر چیزی گرایش کمونیستی را از سایر گرایشها در درون جنبش کارگری متمایز میکند همین تلاش برای جایگیر کردن آرمان انقلاب کارگری در درون طبقه کارگر و سازمان دادن نیروی این انقلاب است. کارگر کمونیست در صف مقدم هر مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران است. اما او در این مبارزه هدف عالی تری را نیز دنبال میکند. از نظر ما در دل این مبارزات است که کارگر خود را به عنوان یک طبقه میشناسد، به قدرت خود واقف میشود و با راه رهائی خود، انقلاب کارگری علیه کل نظام اقتصادی و اجتماعی موجود آشنا میشود. سازماندهی انقلاب کارگری امری مربوط به آینده دور نیست. این تلاش هم اکنون در جریان است. هرجا اتحاد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه جهانی اند تقویت میشود، هرجا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به محافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و محافل

کمونیستی کارگری که امروز تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد. هیچکس تردید ندارد که حکومت و اقتصاد سرمایه داری در ایران دچار یک بحران عمیق است و جامعه ایران در آستانه تحولات سیاسی تعیین کننده ای قرار گرفته است. دیر یا زود جدال طبقات اجتماعی در ایران اوج تازه ای خواهد گرفت. احزاب و نیروهای بورژوازی، چه در داخل حکومت اسلامی و چه در خارج آن دارند خود را برای زورآزمایی های نهائی آماده میکنند. اینبار ما باید تضمین کنیم که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل، زیر پرچم خود و با آرمان انقلاب کارگری به میدان خواهد آمد. این کار عملی است. جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر جریان قدرتمندی است. حزب کمونیست ایران گوشه ای از یک حزب کمونیستی کارگری به مراتب نیرومندتر است که هم اکنون ریشه های خود را در درون طبقه کارگر و جنبش های اعتراضی کارگران محکم کرده است. شعارهای ما و افق های ما هم اکنون راه خود را در میان توده های وسیع طبقه کارگر باز کرده اند. حکومت اسلامی هم اکنون فشار این حزب وسیع و اعلام نشده کارگری را بشدت بر پیکر خود احساس میکند. به سرنوشت قانون کار اسلامی نگاه کنید، به حال و روز شوراهای اسلامی نگاه کنید، مجامع عمومی کارگران و مطالبات آنان را ببینید، همه گواه یک رادیکالیسم قدرتمند کارگری است که در طول دوره پس از انقلاب ۵۷ در ایران شکل گرفته است. اگر بناسد طبقه کارگر ایران در تحولات آتی بار دیگر قربانی نشود، این حزب عظیم و اعلام نشده باید سر و سامان بگیرد. اجزاء مختلف آن، حزب کمونیست ایران، شبکه های گسترده محافل کارگران کمونیست، جنبش مجامع عمومی و سلول های رهبری اعتراضات کارگری باید در یک حرکت واحد کارگری ادغام شوند. این عاجل ترین کاری است که کمونیسم کارگری در ایران در برابر خود قرار میدهد. برنامه ما برای جامعه، راه حل های ما برای رفع مشقاتی که دامنگیر توده های وسیع زحمتکشان است، شعارها و خواسته های ما همه روشن است. شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری، یعنی چپیده انقلاب اجتماعی کارگران، هم اکنون در دل توده های وسیع طبقه ما جای گرفته است. تبدیل همه این مصالح و امکانات به یک حزب قدرتمند اجتماعی که قادر به هدایت کل طبقه کارگر در نبرد های تعیین کننده آتی باشد، این کار ماست. این اولویت اساسی کارگران کمونیست در ایران است.

کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

شماره ۵۳، شهریور ۱۳۶۸